

حقوق الله

**Huqúqu'lláh – The Right
of God**

Published by the National
Spiritual Assembly of Canada

2017

ISBN 978-0-88867-168-4

حقوق الله

مجموعه‌ای از منتخبات نصوص مبارکه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء
دست‌خط‌های صادره توسط ویا از طرف حضرت ولی‌امرالله و
بیت العدل اعظم به انضمام ترجمه دست‌خط‌های صادره به زبان انگلیسی
توسط هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی

آوریل 2007

بازبینی اوت 2009

منتخبات

- | | |
|---------|---|
| 1-31 | 1. اساس حکم حقوق الله |
| 32-80 | 2. اجرای حکم حقوق الله |
| 81-103 | 3. وظایف امنای حقوق الله و محافل روحانی |
| 104-112 | 4. مصارف حقوق الله |

1. اساس حکم حقوق الله

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله¹

[1]

سبحانک یا ربّ الكائنات و مرجع الممكنات اشهد بلسان ظاهری و باطنی
بظهورک و بروزک و انزال آیاتک و اظهار بیّناتک و باستغنائک عن دونک و تقدیسک عمّا
سواک اسئلک بعزّ امرک و اقتدار کلمتک ان تؤیّد الّذی اراد ان یؤدّی ما امرته به فی
کتابک و یعمل ما یتضوّع به عرف قبولک انک انت المقتدر الفیاض الغفور الکریم.

¹ کلّیة آثار مندرجه در این مجموعه منتخباتی است از الواح مبارکة حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء از آرشیو مرکز جهانی بهائی به استثنای آنهایی که منابع آنها ذکر شده است.

[2]

اینکه اراده زیارت بیت نمودید نزد مظلوم مقبول و محبوبست ... بگو یا قوم اوّل امر عرفان حقّ جلّ جلاله و آخر آن استقامت و بعد تطهیر مال و ما عند القوم بما امر به الله بوده. لذا باید اوّل حقوق الهی ادا شود و بعد توجّه به بیت محض فضل این کلمه ذکر شد.

[3]

و الّذی تملک مائة مثقال من الذهب فتسعة عشر مثقالاً لله فاطر الأرض و السّماء ایّاکم یا قوم ان تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل العظیم قد امرناکم بهذا بعد اذ کنا غنیاً عنکم و عن کلّ من فی السّموات و الأرضین انّ فی ذلك لحکم و مصالح لم یحط بها علم احد الا الله العالم الخبیر قل بذلك اراد تطهیر اموالکم و تقرّبکم الی مقامات لا یدرکها الا من شاء الله انه لهو الفضال العزیز الکریم یا قوم لا تخونوا فی حقوق الله و لا تصرّفوا فیها الا بعد اذنه کذلک قضی الأمر فی الألواح و فی هذا اللّوح المنیع من خان الله یغان بالعدل و الّذی عمل بما امر ینزل علیه البرکة من سماء عطاء ربّه الفیاض المعطى البازل القدیم انه اراد لکم ما لا تعرفونه الیوم سوف یعرفه القوم اذا طارت الأرواح و طویت زرابی الأفراح کذلک یدکرکم من عنده لوح حفیظ.

(کتاب اقدس، بند 97)

[4]

آنچه در دنیاست قابل ذکر نبوده و نیست و لکن اگر نفسی فائز شود و در سبیل الهی یک درهم او اقلّ انفاق نماید عندالله از کنوز اولی و اقدم بوده و هست اینست که حقّ جلّ جلاله عاملین و منفقین را در جمیع کتب خود ذکر فرموده. از حقّ بخواهید که کل را مؤید فرماید بر ادای حقوق چه که به اسباب امر مرتفع می شود و ظاهر می گردد. اگر عباد مقام اعمال را در این ایّام بدانند کل به آنچه سزاوار است عامل شوند. الأمر ببیده یحکم کیف یشاء و هو الحاکم البازل العادل المبین الحکیم.

[5]

سالها حقوق اخذ نشد ... ولیکن در سنین اخیره نظر به مقتضیات وقت اخذ حقوق را مجری داشتیم ولیکن طلب آن را منع نمودیم. جمیع باید به اعزاز کلمه و ارتفاع امر ناظر باشند. امروز اگر نفسی جمیع خزائن عالم را بدهد و اقلّ از خردل از عزّت امر الله بکاهد جائز نبوده و نیست. جمیع عالم از حقّ بوده و هست هر نفسی به کمال روح و ریحان خود اقدام در ادای حقوق نماید اخذ شود و الا فلا. این عمل خیرش به خود نفوس راجع و این فقره هم نظر به اسباب امر شد ابی الله ان یجری الأمور الاّ بأسبابها. از این جهت امر به اخذ نمودیم.

[6]

حقّ جلّ جلاله مقدّسست از آنچه ذکر شده و می شود و منزهست از عالم و ذخایر آن آنچه می فرماید ثمرش به خود عباد راجع سوف یرون ما نطق به لسان العظمة من قبل و من بعد و آنها هم اگر به کمال روح و ریحان و خضوع و خشوع تمام تقدیم نمایند.

[7]

یا زین نفوسی که به حکم کتاب عاملند اعلی الخلق لدی الحقّ مذکورند. شکی نبوده و نیست که آنچه از افق سماء امر الهی اشراق می نماید محض حکمت و مصلحت خود عباد است و این وجوهات جزئیّه هم لایق ذکر نه ولیکن چون عامل لوجه الله عمل می نماید محبوبست اگر یک حبه باشد اکلیل خرمن های عالم است.

[8]

هر نفسی البوم فائز شود به ادای حقوق الهی او از نفوسست که به احکام حقّ جلّ جلاله عامل شده اند و به آنچه از قلم اعلی جاری گشته فائز گشته اند ولیکن لازال نوشتیم و امر نمودیم که احدی مطالبه ننماید. هر نفسی خود اقبال نماید و به کمال روح و ریحان حقوق الله را ادا کند اخذ نمایند و من دون آن جایز نبوده و نیست.

غافلین را فی الجمله باید متذکر نمود عمل باید از روی رضا واقع شود در کل امور اعزاز امر الله را باید ملاحظه نمود. از قبل نوشتیم اگر جمیع عالم را نفسی مالک باشد و بدهد و به قدر خردلی از عزت امر بکاهد ترک آن مال لازم و واجب است اینست امر الله از قبل و بعد طوبی للعاملین. امر به ادای حقوق این فضلی بود از جانب حق جلّ جلاله و خیر آن به عاملین راجع باید کل شکر نمایند حقّ منیع را که ایشان را مؤید فرموده بر ادای حقوق. مدّت‌ها قلم را اخذ نمودیم و در این باب امری صادر نه تا آنکه حکمت بالغه اقتضای اخذ نمود ابی الله ان یجری الأمور الاّ بأسبابها لازم است اعانت بعضی و ملاحظه بعضی ولكن به اذن الله المهیمن القیوم.

[9]

و اینکه در باره حقوق ذکر نمودی این مخصوص است به حقّ جلّ جلاله باید به ساحت اقدس ارسال شود الأمر بیده یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید ... این فقره فرض است بر کل و شرف کل در ادای آنست چه که سبب تطهیر اموال و برکت و ازدیاد نعمت بوده و هست و تا حال ناس از این فقره غافلند سعی نموده و می‌نمایند یا از حلال و یا از حرام چیزی ذخیره نمایند و از برای وراثی که ثمر آن معلوم نیست بگذارند بگو امروز کلمه الله وارث است چه که مقصود از وارث ابقای ذکر و اثر بوده و این بسی واضح و معلوم است که قرون و اعصار این اذکار را محو نماید ولكن هر کلمه‌ئی که از قلم اعلی در باره نفسی جاری شد به دوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است.

[10]

کتاب الکرّم انزله مالک القدم و الذی تزین به انه ممّن یشار بالبنان و یصلی علیه الرّحمن من ملکوته الممتنع المنیع انه مع علوّ قدره و کبر مقامه لو یتجاوز عن حدّه یذکر بالاسراف من لدن علیم حکیم خذوا الاعتدال هذا ما امرکم به الغنی المتعال فی کتاب کریم ان انفقوا یا مظاهر هذا الاسم و مطالعه علی الذین تجدونهم علی فقر مبین قل ایاکم یا اهل الغنّاء ان یمنعکم لفظ المبین عن الانفاق فی سبیل الله ربّ العالمین قل لعمر الله لا یحتقر احد بالفقر عند ربّه بل یزداد لو یجده من الصّابرين طوبی لفقیر صبر

و ويل لغنى امسك حقوق الله و ما فرض عليه في لوحه الحفيظ قل لا تفتخروا بما عندكم من المال تفكروا في المال و ما قدر لكم جزاء اعمالكم في كتاب الله العلي العظيم طوبى لغنى ما منعه الغناء عن الله مالک الأسماء أنه من افضل الخلق لدى الحق العزيز العليم قل قد اتى اليوم و أنه لربيع الأعمال لو انتم من العارفين ان اجهدوا يا قوم ليظهر منكم ما ينفعكم في عوالم ربكم العزيز الحميد قل تمسكوا بالأخلاق المرضية و الأعمال الحسنة و لا تكونوا من المتوقفين ينبغي لكل نفس ان يتشبت بما يرتفع به امر الله ربكم المقدر القدير قل اما ترون الدنيا و شئوناتها و تلوناتها و تغييراتها فكيف تقنعون بها و بما فيها ان افتحوا ابصاركم و كونوا من المتبصرين سوف تذهب بهم كالبرق بل اسرع يشهد بذلك مالک الملك في هذا اللوح البديع أنك اذا اخذك جذب آيات ربك ان اشكر و قل لك الحمد يا مقصود القاصدين ان افرح بما توجه اليك القلم الأعلى و انزل لك ما كتبت عن وصفه السن الابداع و كل لسان منيع.

[11]

ادای حقوق بر كل واجب و نفع آن به انفس عباد راجع ولكن قبول آن معلق است به روح و ریحان و رضای نفوس عادلہ عامله در این صورت اخذ جایز و الا فلا ان ربك هو الغنى الحميد.

[12]

این بسی معلوم و واضحست که ادای حقوق الهی سبب نعمت و برکت و عزت و حفظ بوده و خواهد بود طوبی لمن عرف و اعترف و ويل للمنكرين و این در صورتیست که به کمال روح و ریحان و میل به احکام کتاب عمل نمایند. بر آن حضرت است امر به معروف من سماع لنفسه و الذی لم یسمع فعلیه ان ربنا الرحمن لهو الغنى الحميد.

[13]

في الحقيقة امر حقوق الهی امر بزرگی است بر جمیع ادای آن لازم چه که اوست
سبب نعمت و برکت و خیرات و ما يكون مع كل نفس في كل عالم من عوالم ربها الغني
الكریم.

[14]

امروز بر هر نفسی خدمت امر الله لازم امورات ارض را حق جلّ جلاله به
اسباب معلّق فرموده حقوق الهی را هر نفسی باید ادا نماید.

[15]

سبحان الله خزائن ملوک و ملکات در یوم ظهور مذکور نه و لدى الله مقبول نه
ولکن خردلی از اولیا در ساحت اقدس اعلی مذکور و به طراز قبول مزین تعالی فضله و
تعالی عظمته.

[16]

منافع امورات خیریه به خود نفوس راجع و در این مقامات نطق یک کلمه
کافیست. هر نفسی به کمال روح و ریحان و تسلیم و رضا ادا نمود لدى الله مقبول والّا
انه غنی عن العالمین ... طوبی از برای نفوسی که فائز گشتند به آنچه در کتاب الهی
مذکور و مسطور است. باید کل به ما اراده الله عامل شوند چه که آنچه در کتاب از قلم
اعلی نازل سبب و علّت تطهیر و تنزیه و تقدیس و نعمت و برکت بوده و هست طوبی
للفائزین.

هیچ عملی ضایع نشده و نخواهد شد اعمال خیریه کلّها کنوزند عندالله از برای
صاحبانش طوبی لعبد عمل و لأمة عملت فی سبیل الله ربنا و رب العالمین ... حقوق الهی
باید در صورت امکان و روح و ریحان داده شود نفوسی که استطاعت ندارند به طراز
عفو الهی مزینند.

[17]

شکّی نبوده و نیست که آنچه از قلم اعلی صادر و جاری شده از اوامر و نواهی نفع آن به خود عباد راجع است. مثلاً از جمله حقوق الله نازل و اگر ناس به ادای آن موفّق شوند البتّه حقّ جلّ و عزّ برکت عنایت فرماید و هم آن مال نصیب خود آن شخص و ذریّه او شود. چنانچه مشاهده می‌نمایم اکثری از اموال ناس نصیب ایشان نشده و نمی‌شود و اغیار را حقّ بر آن مسلّط می‌فرماید و یا ورّائی که اغیار بر ایشان ترجیح دارد. حکمة بالغه الهی فوق ذکر و بیانست انّ النّاس یشهدون ثمّ ینکرون و یعرفون ثمّ یجهلون اگر به اوامر عمل می‌نمودند خیر دنیا و آخرت را تحصیل می‌کردند.

[18]

امر حقوق منوط به اقبال خود نفوسست هر مقبلی اگر به کمال روح و ریحان به صرافت طبع خود اراده کند حقوق الهی را ادا نماید مقبولست و الا فلا انّ ربّک غنی عن العالمین انظر ما انزله الرّحمن فی الفرقان یا ایّها النّاس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید.²

[19]

مرقوم داشته بودید که عهد نموده‌اند به کمال قناعت گذران کنند و مابقی را به ساحت اقدس ارسال دارند. این فقره عرض شد فرمودند به اعتدال حرکت کنند بر خود سخت نگیرند انا نحبّ ان ینکونوا فی عیشة راضیه.

[20]

از برای حقوق الهی قرار بست معین بعد از تحقق بیت العدل علی ما اراده الله حکم آن ظاهر می شود.

[21]

سیحانک یا ربی الرّحمن اسألك بأمواج بحر بیانک و شئونات ربوبیتک و ظهورات الوهیتک و الأسرار الّتی كانت مكنونة فی علمک بأن تؤیّدنی علی خدمتک و خدمة اولیائک و توقّفتی علی اداء حقوقک الّتی انزلته فی کتابک ای ربّ انا الّذی اقبلت الی افقک الأعلى و تشبّثت بذیل عطانک یا مولی الوری و مالک ملکوت الأسماء اسألك ان لا تخیّبنی عمّا عندک و لا تمنعنی عمّا کتبتّه لأصفیائک اسألك یا الهه الأسماء و فاطر السّماء ایدنی علی الاستقامة علی امرک علی شأن لا تحجیبنی زخارف الدّنیاء و لا تمنعنی ضوضاء الأشقیاء الّذین قاموا علی اضلال خلقک فی ایامک ثمّ قدر لی یا مقصودی خیر الآخرة و الأولى انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت الغفور الکریم.

منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء

[22]

ای یاران عبدالبهاء محض الطاف بی پایان حضرت یزدان به تعیین حقوق الله بر عباد خویش منت گذاشت و الا حق و بندگانش مستغنی از کائنات بوده و الله غنی عن العالمین. اما مفروضی حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس و برکت در جمیع شئون گردد. (الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء، پاکستان: محفل روحانی ملی بهائیان پاکستان، 1960 میلادی، ص 16)

[23]

هیكل عالم از مصدر ایجاد چون صورت و هیئت آدم موجود شده و فی الحقیقه مرآت یکدیگرند چون به بصر بصیرت نگری یعنی هم چنانکه هیكل انسانی در عالم وجود ظاهراً مرکب از اعضا و جوارح مختلفه و در حقیقت هیئت جامعه و مربوط یکدیگر است به هم چنین جسم عالم حکمش حکم شخص واحد که اعضا و اجزایش مربوط یکدیگر است دارد. چنانچه اگر به دیده‌ئی که کاشف حقایقست ملاحظه شود مشهود گردد که اعظم روابط عالم ایجاد سلسله موجودات است و تعاون و تعاضد و تبادل از خواص ملازمه هیئت جامعه عالم وجود است زیرا جمیع وجود بهم مربوط است هر شیئی از اشیاء متأثر و مستفید از دیگری اگر رأساً نباشد بالواسطه محقق. مثلاً ملاحظه نمایید که قسمی از موجودات نبات و سنخی حیوانات از این دو هر یک از جزئی از اجزاء موجوده در هوا استفاده می‌نماید که سبب حیات او است و هر یک سبب ازدیاد آن جزئیست که ماده حیات دیگریست یعنی به جهت نبات نشو و نمایی بدون حیوان ممکن نه و از برای حیوان حیاتی بدون معاونت نبات متصور نه و هم چنین کافه موجودات روابطش بر این منوال است این است که بیان شد که تعاون و تبادل از خواص هیئت جامعه عالم وجود است و بدون او وجود معدوم. و در مراتب وجود در قوس صعود آنچه به رتبه اعلی‌تر نگری شئون و آثار حقیقت تعاون و تعاضد را در رتبه مافوق اعظم از رتبه مادون مشاهده نمایی. مثلاً آثار باهره این شأن قویم را در عالم نبات اعظم از عالم جماد و در رتبه حیوان اکبر از رتبه نبات ملاحظه کنی تا آنکه در عالم انسانی این امر عظیم را از جمیع جهات در منتهای اتقان مشهود بینی چه که در این رتبه تعاون و تعاضد و تبادل محصور در جسم و جسمانیات نبوده بلکه در جمیع مراتب و شئون ظاهری و معنوی از عقول و افکار و آرا و اطوار و آداب و آثار و ادراکات و احساسات و سایر احوال انسانی این روابط متینیه را در منتهای محکمی ادراک نمایی و آنچه این روابط متانت و ازدیاد بیشتر یابد جمعیت بشریه در ترقی و سعادت قدم پیشتر نهد بلکه فلاح و نجاح به جهت هیئت جامعه انسانیه بدون این شئون عظیمه محالست. حال ملاحظه فرمایید که این امر خطیر مادامی که بین نفوسی که مظاهر حقایق کونیّه هستند به این درجه مهم است آیا فیما بین جواهر وجودی که در ظل سدره ربانیّه و مظاهر فیوضات رحمانیه هستند چگونه باید تعاون و تعاضد به منتهای همت به روح و

ریحان در جمیع مراتب وجود و شهود و حقایق و معانی و معاش و معاد ظاهر گردد شبهه‌ئی نیست که حتی جان را در راه یکدیگر باید فدا کنند. و اساس حقوق الله اینست چه که در سبیل این شئون صرف می‌شود و الا حقّ لم یزل مستغنی از مادون بوده و خواهد بود و هم‌چنان که کلّ اشیاء را از فضل و عنایات بی‌منتهاش بانصیب فرموده مقتدر بر آنست که احتیایش را از خزاین قدرت غنی فرماید و لکن نظر به این حکمت است که عندالله امر انفاق محبوب بوده. ملاحظه فرمایید که این امر عظیم چه قدر عندالله محبوب بوده که نسبتش فی الحقیقه الی الله گشته فاستبشروا یا اولی الانفاق. و از فضل و الطاف بی‌نهایت حضرت سلطان احدیت امیدواریم که در این کور اعظم جمیع شئون رحمانیه در بین بندگان الهی به قسمی ظاهر شود که جمیع آفاق را رایحه طیبّه اش معطر نماید. این مطلب بسیار تفصیل دارد به اختصار گذرانندیم.

[24]

ای یاران ربّانی من این یقین و مسلّم است که حضرت بی‌چون در جمیع شئون به عنای مطلق موصوف و به رحمت واسعه مشهور و به فیض ابدی مألوف و به عطا بر عالم وجود معروف ولی نظر به حکمت بالغه و امتحانات فارقه تا آشنا از بیگانه امتیاز یابد حقوق بر عباد خویش واجب و مفروض فرمود نفوسی که اطاعت این امر مبرم نمودند به برکت آسمانی موفق و در دو جهان روی روشن و مشام از نسیم عنایت معطر کردند. از جمله حکمت‌های بالغه اینکه اعطای حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس گردد و نتایج عظیمه به ارواح و قلوب بخشد و در موادّ خیریه مصروف گردد.

[25]

اشكرى الله بما و فَّقك على اطاعة امره في كتاب الأقدس حتَّى قمت بايفاء الحقوق و تقبَل الله عنك هذا العمل المبرور ثمَّ اعلمى بأنَّ عباد الرَّحمن اغناهم الله من كثر ملكوته ولكن اعطاء الحقوق هذا امتحان من الله لعباده و امانه فكلَّ صادق خالص يقَدِّم الحقوق لأجل الصَّرف على الفقراء و الضَّعفاء و المساكين و الايتام و سائر المصارفات اللازمة في امر الله كما أنَّ المسيح جعل صندوقاً لأجل الانفاق.

منتخباتی از توقیعات صادره از طرف حضرت ولیّ امرالله

[26]

نفوس خالصة مخلصه زکیة منقطعه که به صرافت طبع قسمتی از ممتلكات خویش را بعضی در ایام حیات و بعضی دیگر حسب الوصیة وقف امر الله نموده اند و به تأدیة حقوق الله موقِّق و مفتخر گشته اند اجرشان عندالله عظیم است. از قبل ابن عبد تقدیم کنندگان و بازماندگان آن متصاعدين الى الله را اطمینان دهند. این اقدامات و تبرعات جالب تأیید الهی و برکت سماوی و فیض نامتناهی است و مروِّج مصالح متنوّعة جامعه بین المللی بهائی. نعیماً لهم بما و فَّقهم الله على امر ترتفع به مقاماتهم في الدنیا و الآخرة.

(مکتوب مورخ 23 ژوئن 1945 خطاب به یکی از احبّاء، آرشیو مرکز

جهانی بهائی)

منتخباتی از دست خط های صادره توسط و یا از طرف بیت العدل اعظم

[27]

تقارن استثنایی توفیقاتی قریب الوقوع — انتشار کتاب مستطاب اقدس، پیشرفت ساختمان ابنیه کوه کرمل، پایان نقشه شش ساله، و شروع سال مقدّس —

بحر آمال و انتظارات عالم بهائی را به تموج در می آورد، زمینه را برای مجهوداتی به مراتب عظیم تر از آنچه تاکنون انجام شده آماده می سازد و ما را به آغاز دوره ای جدید در تاریخ متذکر می دارد. لذا شایسته است در این موقعیت مغتنم جمیع نفوسی که بر ایمان خود به مظهر ظهور اعظم الهی مقرر و معترفاند با سرور و حبور حکم مقدسی را اجابت نمایند که هر فرد را قادر می سازد تا حسن خصوصی ایمان خود به خداوند را با عملی وجدانی و بسیار شخصی که مروج مصالح عمومی است و فرد را مستقیماً با مؤسسه مرکزی و مرجع امر الله مرتبط می سازد، و بالاتر از همه، عنایات وصف ناپذیر و الطاف لانهای الهی را برای نفوس مطیعه مخلصه تضمین می نماید ابراز دارد. حال با اظهار خضوع و خشوع و عبودیت به ساحت قدس الهی، اعلام می داریم که از رضوان 1992 یعنی آغاز سال مقدس، حکم حقوق الله شامل عموم خواهد شد. همه یاران الهی را با کمال محبت به اجرای این حکم دعوت می نماییم. (ترجمه)

(پیام رضوان ۱۹۹۱ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم)

[28]

و اکنون در بحبوحه انتظارات مشتاقانه برگزاری این دو بزرگداشت³ عمده و انتشار قریب الوقوع امّ الکتاب امر بهائی، حکم حقوق الله از جمله فرایض معمول و مستمرّ اعضای جامعه بهائی در سراسر عالم محسوب می‌شود. امید چنان است که برکات و مواهب موعوده الهیه وابسته به اجرای این حکم مقدّس شامل حال عزیزان حضرت یزدان در جمیع بلاد گردد. (ترجمه)

(پیام رضوان ۱۹۹۲ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم)

[29]

امید و طید بیت العدل اعظم آنست که روح این سال مقدّس و تأثیرات اطاعت از حکم حقوق الله موجب بیداری و آگاهی احبّاً نسبت به خصیصه تقدّس تبرّعات امری و نقش اساسی آن در تحقّق منظور ظهور حضرت بهاء الله گردد. (ترجمه)

(نامه مورّخ 19 ژوئن 1992 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملی)

[30]

در این دور مبارک، مؤسسه حقوق الله از طریق ترویج طرز فکری بدیع و نگرشی جدید نسبت به کسب و استفاده از منابع مادی، به روحانیت عالم انسانی کمک خواهد کرد؛ منابع مادی مورد نیاز مشروعات عظیم جمعی به منظور بهبود جمیع شئون حیات بشری را فراهم خواهد آورد و در تکامل مدنیت جهانی عنصری نیرومند خواهد بود. (ترجمه)

(نامه مورّخ 12 ژانویه 2003 بیت العدل اعظم خطاب به وکلا و

نمایندگان مؤسسه حقوق الله)

³ اشاره به مراسم صدمین سال صعود حضرت بهاء الله و جشن صدمین سال آغاز عهد و میثاق عظیم ایشان.

[31]

و اما راجع به بیم شما نسبت به پول، کسب ثروت فی نفسه هدفی نگران‌کننده نیست بلکه ضرورتی است عملی. مشکلات مربوط به ثروت از طرز فکر نادرست نسبت به تملک و استفاده از آن سرچشمه می‌گیرد. در این خصوص، انشاءالله مطالعه فقرات 80، 81 و 82 کلمات مبارکهء مکنونهء فارسی را مفید بیابید. همانند بسیاری از دیگر شئون زندگی، تعالیم حضرت بهاءالله با وضع حکم حقوق الله و موهبت تقدیم تبرعات به صندوق‌های امری و با تشویق به مجهودات انسان دوستانه برای رفاه عمومی، وسیله‌ای برای حفظ ما در مقابل امتحانات ناشی از ثروت فراهم می‌سازند. (ترجمه)

نامهٔ مورّخ 7 اکتبر 2005 از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

2. اجرای حکم حقوق الله

منتخبانی از آثار حضرت بهاءالله

[32]

انّ الذّین وفوا بعهودهم و عقودهم و ندورهم و ادّوا امانات الله و حقوقه انّهم من اهل الفردوس الاعلیٰ کذلک یشرّهم المظلوم فی سجنه العظیم طوبی لعباد فازوا و لاماء فزن و لکلّ من تمسک بالمعروف و عمل ما امر به فی کتاب الله ربّ العالمین.

[33]

ادای حقوق الهی منوط به استطاعت است. اگر نفسی قادر بر او نباشد آنّه یعفو عنه و هو الغفّار الکریم.

[34]

سؤال: از نصاب حقوق الله

جواب: نصاب حقوق الله ۱۹ مثقال از ذهب است یعنی بعد از بلوغ نقود به این مقدار حقوق تعلق می‌گیرد و اما سایر اموال بعد از بلوغ آن به این مقام قیمة لا عدداً و حقوق الله يك مرتبه تعلق می‌گیرد مثلاً شخصی مالک شد هزار مثقال از ذهب را و حقوق آن را ادا نمود بر آن مال دیگر حق الله تعلق نمی‌گیرد مگر بر آنچه به تجارات و معاملات و غیرهما بر آن بیفزاید و به حد نصاب برسد یعنی منافع محصولة از آن در این صورت به ما حکم به الله باید عمل شود آلا اذا انتقل اصل المال الى يد اخرى اذا يتعلق به الحقوق كما تعلق أول مرة در آن وقت حقوق الهی باید اخذ شود نقطه اولی می‌فرماید از بهاء کل شیء که مالکند باید حقوق الله را ادا نمایند و لکن در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عضو نمودیم یعنی اسبابی که ما محتاج به است.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۸)

[35]

سؤال: حقوق الله و دیون میت و تجهیز اسباب کدام مقدم است

جواب: تجهیز مقدم است بعد ادای دیون بعد اخذ حقوق الله و اگر مال معادل دیون نباشد آنچه موجود است به مقتضای دیون قلیلاً و کثیراً قسمت شود.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۹)

[36]

سؤال: در کتاب اقدس حقوق الله نازل آیا بیت مسکون و متروکات آن و

مایحتاج جزو اموالی است که حقوق بر آن ثابت می‌شود یا نوع دیگر است.

جواب: در احکام فارسیّه می‌فرماید "در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنی اسبابی که مایحتاج به است."
(کتاب مستطاب/قدس، رساله سؤال و جواب، شماره 42)

[37]

سؤال: اگر بالفرض اموال شخصی صد تومان باشد و حقوق را ادا نموده بعد در تجارت نقصان واقع شود و نصف این مبلغ تلف شود باز به تجارت به نصاب رسد حقوق باید داد یا نه.

جواب: در این صورت حقوق بر آن تعلق نمی‌گیرد.
(کتاب مستطاب/قدس، رساله سؤال و جواب، شماره 44)

[38]

سؤال: اگر مبلغ معهود به کلی بعد از ادای حقوق تلف شود و دفعهء دیگر از کسب و تجارت همین مبلغ حاصل شود حقوق ثانی باید داد یا نه.

جواب: در این صورت هم حقوق ثابت نه.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره 45)

[39]

سؤال: آیا شخص می‌تواند در کتاب وصیت از اموال خود چیزی قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خیریه صرف شود به غیر ادای حقوق الله و حقوق ناس یا آنکه جز مخارج دفن و کفن و حمل نعش حق ندارد و مابقی اموال کما فرض الله به وراثت می‌رسد.

جواب: انسان در مال خود مختار است اگر بر ادای حقوق الهی موقوف شود و هم چنین حق الناس بر او نباشد آنچه در کتاب وصیت بنویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست قد اذن الله له بأن يفعل فيما ملكه الله كيف يشاء.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره 69)

[40]

سؤال: هرگاه شخص متوفی حقوق الله یا حق الناس بر ذمه او باشد از بیت مسکون و البسه مخصوصه و سایر اموال بالنسبه باید ادا شود یا آنکه بیت و البسه مخصوص ذکران است و دیون باید از سایر اموال داده شود و هرگاه سایر ترکه وفا نکند به دیون چگونه معمول شود.

جواب: دیون و حقوق از سایر اموال داده شود و اگر اموال وفا نکند از بیت مسکون و البسه مخصوصه ادا شود.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره 80)

[41]

سؤال: هر گاه مال از نوزده تجاوز نماید باید به نوزده دیگر برسد یا بر زیاده هم تعلق می‌گیرد.

جواب: هر چه بر نوزده بیفزاید حقوق تعلق نمی‌گیرد الا به نوزده دیگر برسد.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره 90)

[42]

سؤال: اسباب دکان که به جهت کسب و شغل لازم است باید حقوق الله از آنها داده شود یا آنکه حکم اسباب بیت را دارد.

جواب: حکم اثاث بیت بر آن جاری.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره 95)

[43]

و اما در باره حقوق الله نصاب آن عدد واحد⁴ است یعنی هر نفسی اگر دارای نوزده مثقال ذهب شد و یا اشیائی که به این قیمت برسد بعد از وضع مئونه⁴ سنه حقوق بر آن تعلق می‌گیرد و ادای آن واجب.

[44]

حکم الله آنکه ملکی که انتفاع از آن مقطوعست یعنی نفعی از آن حاصل نمی‌شود حقوق الله بر آن تعلق نمی‌گیرد انه لهو الحاکم الکریم.

⁴ نوزده

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء

[45]

در خصوص حقوق سؤال نموده بودید. انسان در ظرف یک سال آنچه منفعت کند باید مصارف سالیانه خود را منها کند پس از آنچه که زیادی مانده در صد نوزده حقوق بدهد. یعنی شخصی در ظرف یک سال از تجارتش هزار لیره منفعت برده مصارف سالیانه خویش را که شش صد 600 لیره باشد منها می کند چهارصد لیره زیادی دارد حقوق بر این چهارصد لیره تقرر حاصل می شود یعنی باید از چهارصد لیره از هر صدی نوزده لیره که جمعش هفتاد و شش لیره می شود به جهت مصارف خیریه حقوق بدهد. بر جمیع اموال هر سال حقوق تعلق نیابد. شخصی شاید صد هزار لیره اموال دارد نمی شود هر سال از این صد هزار لیره حقوق بدهد. شما مثلاً باید آنچه در سال منفعت می نمایید خرج سالیانه خویش را منها کنید آنچه فضله می ماند حقوق بر آن تعلق می گیرد اما مالی که سال گذشته حقوقش داده شده است امسال دیگر حقوق بر آن تعلق نیابد.

[46]

اما حقوق بعد از وضع مصارف سنه کامله آنچه زیاده باقی بماند حقوق بر آن تعلق یابد و لکن نقود و مالی که ممر معاش باشد و یک دفعه حقوق آن داده شده و یا ملکی که حقوق آن داده شده اگر ربع آن کفایت مصارف کند و بس دیگر حقوق بر آن تعلق نگیرد... تصرف در حقوق جزئی و کلی جائز ولی به اذن و اجازه مرجع امر.

[47]

حقوق بر جمیع مایملک تعلق می‌گیرد و لکن اگر شخصی حقوق بر ملکی را ایفا نموده و واردات آن ملک به قدر احتیاج اوست دیگر بر آن شخص حقوق ترتب نیابد. بر آلات و ادوات زراعت حتی حیوانات حرث به اندازه‌ئی که لزومست حقوق ترتب نگردد.

[48]

اما کیفیت حقوق بعد از مصروف سال آنچه از واردات املاک و کسب و تجارت زیاد ماند حقوق بر آن تعلق گیرد.

منتخباتی از بیانات حضرت عبدالبهاء

[49]

سؤال: در امر حقوق، آیا یک نوزدهم درآمد خالص فرد مقصود است یا درآمد ناخالص او؟ فی‌المثل، در امریکا، بعد از کسر مواردی که معاف شده، مالیاتی بر عایدی ناخالص تعلق می‌گیرد. احتساب حقوق چگونه است؟

جواب: مضمون بیان حضرت عبدالبهاء این بود: بعد از آنکه شخص کلیه

مخارج ضروریه را پرداخت نمود، نوزده درصد از آنچه باقی مانده را اخذ و به جهت حقوق تأدیبه می‌نماید. فی‌المثل، اگر نفسی بعد از ادای همه مخارج خود صد غروش برایش باقی مانده باشد، در این صورت نوزده غروش حقوق آن است که به امر الله تعلق می‌گیرد. این را در انتهای سنه، بعد از آنکه مخارج خود را تعیین کرد، انجام می‌دهد. از هر صد غروش، نوزده غروش به جهت حقوق اخذ می‌شود.

از این مبلغ فقط یک مرتبه حقوق پرداخت می‌شود و بعد از آن دیگر حقوق به آن مبلغ تعلق نمی‌گیرد. سال بعد، از مبلغی که بعد از کسر مخارج و نیز بعد از کسر

مبلغی که سال گذشته حقوق آن تأدیه شده، در اختیار فرد باقی می‌ماند، حقوق محاسبه خواهد شد.

فی‌المثل، شخصی در آخر سنه، بعد از پرداخت کلیه مخارج خود، 1,000 غروش برایش باقی مانده، در این صورت 190 غروش بابت حقوق اخذ می‌شود. در انتهای سنه بعد، پس از محاسبه مخارج، ممکن است 2,000 غروش برای او باقی بماند. چون سنه قبل حقوق 1,000 غروش را داده، این مبلغ از 2,000 غروش کسر می‌شود و از 1,000 غروش حقوق می‌پردازد (یعنی 190 غروش). در سنه ثالث اموال خالص او ممکن است 2,500 غروش بشود، از این مبلغ 2,000 غروش کسر می‌کند و نوزده درصد 500 غروش را که 95 غروش می‌شود تأدیه می‌کند. اگر در آخر سنه رابع او 2500 غروش داشته باشد، هیچ حقوق به آن تعلق نمی‌گیرد.

سؤال: در خصوص کسر مخارج ضروریه، آیا تبرعات به مشرق‌الاذکار و تبلیغ و سایر فعالیت‌های امری قسمتی از حقوق محسوب می‌گردد یا مجزاً از آن است؟

جواب: حضرت عبدالبهاء جواب فرمودند که حقوق از این موارد جدا و مستقل است و باید ابتدا محاسبه گردد و بر آنها اولویت دارد. بعد از آنکه مقدار حقوق معلوم شد، می‌توان به سایر امور پرداخت. هیکل مبارک لبخند زدند و فرمودند پس از ادای حقوق عبدالبهاء تعیین می‌کند که چه مبلغی به مشرق‌الاذکار اختصاص یابد، چه مبلغی به تبلیغ تخصیص داده شود و چه مبلغی به محتاجان پرداخت گردد و غیره. (ترجمه)

(مصاحبه با حضرت عبدالبهاء، 26 نوامبر 1919، یادداشت به خط حضرت ولی‌امرالله حدود سال 1920. سؤالات در مکتوب جورج او. لتیمر، بدون تاریخ)

منتخباتی از توقیعات صادرة توسط ویا از طرف حضرت ولی‌امرالله

[50]

اما در خصوص حقوق الله ... تعلق آن به مال التجاره و ملک و عایدات است که بعد از مخارج لازمه آنچه فایده حاصل شود و بر مایه افزوده گردد باید حقوق آن داده شود و چون یک مرتبه حقوق ادا شد دیگر بر آن تعلق نمی‌گیرد مگر آنکه آن مال از شخصی به شخص دیگر رسد. ... و اما بیت و اسباب بیت حقوق تعلق نمی‌گیرد. ... اما در خصوص حقوق الله حقوق الهی راجع به مرکز امر است.
(نامه مورخ شوال 1345 ه.ق. از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء،

[51]

در کتاب مستطاب اقدس بیاناتی راجع به امر حقوق خواهید یافت ... کلیّه مسائلی که حضرت بهاءالله صریحاً تعیین نفرموده‌اند باید به بیت العدل اعظم ارجاع گردد. (ترجمه)
(جملاتی به قلم حضرت ولی‌امرالله که در آخر نامه مورخ 16 دسامبر 1927 از طرف حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء مرقوم شده است)

[52]

یک مثقال نوزده نخود است و بیست و چهار نخود مساوی چهار گرام و سه خمس گرام است بر حسب این میزان حساب نمایند.
(نامه مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۳۷ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء، آرشیو مرکز جهانی بهائی)

[53]

سؤال در باب انتقال خانه مسکونی و البسه مخصوصه و اثاث البیت از طریق ارث به ورثه که آیا وراثت هم از تأدیه حقوق آنها معافند یا خیر فرمودند "خانه مسکونی و اثاث البیت و اسباب کار چون به نص قاطع از حقوق الله معاف گشته در حین انتقال نیز از تأدیه حقوق معاف است."

(نامه مورخ 29 سپتامبر ۱۹۴۲ از جانب حضرت ولی امرالله خطاب به محفل ملی بهائیان ایران، آرشیو مرکز جهانی بهائی)

منتخباتی از دست خط‌های صادره توسط و یا از طرف بیت العدل اعظم

[54]

بعضی از یاران عزیز که به تقدیم حقوق الله موقتند از این هیئت پرسیده‌اند که اهدای تبرعات به صندوق‌های امریه با ادای حقوق الله چه رابطه و نسبتی دارد و اگر کسی به نیت ادای حقوق الله به تبرعات خیریه جهت مشروعات سایره پردازد آیا از تقدیم حقوق الله معافست یا آنکه حکم دیگری دارد؟

با آنکه نصوص الهیه در این مورد صراحت دارد ولیکن چون این سؤال مکرر شده مقرر گردید که توضیحاً جهت اطلاع یاران مهربان مرقوم شود که ادای حقوق الله از فرایض دینیّه اهل بهاست چه که حکمش در کتاب مستطاب اقدس منصوص است و بیانش در الواح شتی معین و مذکور هیچ مؤمن مخلصی که واجد شرایط معینه باشد از ادای حقوق الله مستثنی نیست حتی به نص کتاب امتناع از ادای حقوق الله به منزله خیانت محسوب و خطاب "من خان الله یخان بالعدل" در حق این نفوس مکتوب.

به فرموده مرکز میثاق: "محض الطاف بی‌پایان حضرت یزدان به تعیین حقوق الله بر عباد خویش مت گذاشت و آلا حق و بندگانش مستغنی از کائنات بوده."

این حکم محکم به شهادت قلم اعلیٰ دارای مصالح و حکم لاتحصی است سبب تطهیر اموال است و دافع خسران و وبال. باعث نعمت و عزّت است و علّت خیر و برکت. انفاقی است که نسبتش الی الله است و خدمتی است که ممد ارتفاع امر الله. اعطای حقوق به فرموده مرکز میثاق برای امتحان مؤمنان است و سبب ثبوت و رسوخ ایشان در ایمان و ایقان.

مختصر آنکه حقوق الله از تکالیف قاطعه شرعیّه اهل بهاست که طبق نصوص مبارکه به مرجع امر راجع و قرارش به فرموده جمال قدم جلّ ثنائه بعد از تحقّق بیت العدل علی ما اراده الله تعیین گردد و احدی جز مرجع امر حقّ تصرّف در آن ندارد یعنی آنچه از اموال نفوس به حقوق الله راجع و مخصوص است تعلق به مرکز امر الله دارد نه به آن نفوس لهذا یاران به تشخیص و اراده خود نباید وجوه حقوق الله را به مصارف دیگر رسانند ولو آنکه مصارف خیریه امریه باشد زیرا به نصّ صریح تبرّعات و اعانات سایره باید بعد از تقدیم حقوق الله یعنی از اموال باقیه طاهره که متعلق به خود اشخاص است تقدیم گردد. امیدوار چنانیم کل بر این وظیفه مبارکه مقدّسه که کافل سعادت حقیقیّه و مؤید اجرائات عمومیّه اهل بهاست موقّی و فائز گردند و الله غنی عن العالمین.

(نامه مورّخ 25 اکتبر ۱۹۷۰ بیت العدل اعظم خطاب به محفل

روحانی ملّی ایران)

[55]

مکتوب محبت آمیز مورّخ 27 دسامبر 1972 شما حاکی از آرزوی اجرای حکم حقوق الله در رابطه با ارثیه ای که از مادرتان به شما رسیده این مشتاقان را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد.....

این حکم کتاب مستطاب اقدس مقرر می دارد که وقتی سرمایه یک شخص به معادل حدّ اقلّ "نوزده مثقال طلا" برسد، نوزده درصد آن به عنوان حقوق الله قابل

پرداخت است... برای تعیین مبلغی که فرد مؤمن باید پردازد او باید ابتدا دیون و مخارجی را که دارد کسر کند و سپس از باقی مانده سرمایه، در صورتی که معادل حدّ اقلّ نوزده مثقال طلا باشد، نوزده درصد آن را پرداخت نماید.

... برای اجرای این حکم کتاب اقدس ... باید ارزش کلّ ارثیه را از نقدینه و سایر اموال محاسبه کنید و همه مخارج و دیونی را که دارید کسر نمایید و شرایطی را در نظر بگیرید که تحت آن احياناً قادر خواهید بود حقوق الله ارزش خالص ارثیه دریافتی خود را پرداخت نمایید. تعیین زمان و شرایط پرداخت به هر فرد واگذار شده است.

فی المثل اگر دارایی یک فرد علاوه بر وجه نقد شامل ملک یا سهام باشد، او ممکن است پرداخت نوزده درصد ارزش اقلام غیر نقدی را مادام که فروش نرفته است نامطلوب و یا نامناسب بداند و ترجیح دهد که تنها بعد از فروش آن اموال به ایفای این مسئولیت روحانی اقدام نماید. قبل از محاسبه ارزش خالصی که حقوق الله بدان تعلق می گیرد هر گونه مخارجی که احتمالاً در تبدیل دارایی ها به وجه نقد متحمل شود باید کسر گردد. (ترجمه)

(نامه موزّخ 21 ژانویه ۱۹۷3 بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

احبّاء)

[56]

شخص مؤمن مخلص که به موهبت پرداخت حقوق الله فائز است، ابداً در طلب عذر و بهانه ای برای اجتناب از ادای این وظیفه روحانی نخواهد بود بلکه نهایت کوشش را برای اجرای آن مبذول خواهد داشت. از طرف دیگر، چون اطاعت از این حکم مسئله ای وجدانی و پرداخت حقوق الله امری اختیاری و داوطلبانه است، شایسته نخواهد بود که از حدّ مطلع ساختن احبّای ... از وظیفه روحانی خود فراتر رفت و باید به خود ایشان واگذار کرد تا در مورد آن تصمیم بگیرند.

همین اصل در مورد آن دسته از احبّایی که در مصارف خانواده خود ره افراط می‌پیمایند و کسانی که در خرید یا بنای محلّ اقامت و وسایل و تزیینات آن از نیاز خود بسی فراتر رفته به منظور اجتناب از پرداخت حقوق الله این مخارج را ضروری توجیه می‌کنند، نیز صادق است. (ترجمه)

نامه مورّخ 26 فوریه ۱۹۷3 بیت العدل اعظم خطاب به یکی از
(احیّا)

[57]

حضرت بهاءالله بسیاری از جزئیّات مربوط به محاسبه حقوق الله را به قضاوت و وجدان افراد احبّا واگذار فرموده‌اند. مثلاً اسباب و لوازم مورد نیاز منزل را از حقوق الله معاف فرموده‌اند اما اتخاذ تصمیم را در باره اینکه کدام اقلام ضروری و کدام غیر ضروری است به عهده افراد گذاشته‌اند. تبرّعات تقدیمی به صندوق‌های امری نمی‌تواند جزئی از پرداخت حقوق الله محسوب گردد؛ به علاوه اگر کسی حقوق الله مدیون باشد و از عهده پرداخت آن و تقدیم تبرّعات هر دو برنیاید تأدیه حقوق الله بر تقدیم تبرّعات اولویّت دارد. اما اینکه در محاسبه مایملک مشمول حقوق الله آیا می‌توان تبرّعات را به عنوان مخارج به حساب آورد یا نه، این امر به قضاوت هر فرد با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خویش محوّل گردیده است. (ترجمه)

نامه مورّخ 16 سپتامبر ۱۹۷9 از طرف بیت العدل اعظم خطاب
به یکی از احیّا)

[58]

از آثار مبارکه واضح است که فرد از پرداخت حقوق الله برای بیت مسکونی و برای اسباب مورد لزوم خانه و وسایل مورد نیاز شغل و حرفه خود معاف می‌باشد. تصمیم در باره اینکه چه اقلامی ضروری و چه اقلامی غیر ضروری است به نظر فرد واگذار شده است. بدیهی است که دوستان نباید برای بیت مسکونی و اثاث آن اسراف نمایند و به منظور اجتناب از پرداخت حقوق الله آن را معقول جلوه دهند. نصّ خاصی

مبني بر اینکه سرمایه مورد استفاده برای کسب درآمد از پرداخت حقوق الله معاف می باشد یافت نشده است. بیت العدل اعظم این گونه امور را به وجدان افراد احباً واگذار می نمایند. (ترجمه)

(نامه مورخ 9 آوریل ۱۹۸۰ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباً)

[59]

اما راجع به سؤال ثانی که چون تفاهم کامل بین زن و شوهر موجود باشد و زن حق دخل و تصرف در اموال شوهر داشته باشد آیا زوجه می تواند برای تمام اموال حقوق الله منظور دارد یا آنکه چون قسمتی از این اموال تعلق به شوهر دارد محاسبه حقوق الله از طرف زن باید نسبت به قسمتی از دارایی باشد که متعلق به شخص اوست.

در جواب این سؤال، باید متوجه بود که حقوق الله بر آنچه دارایی مسلم شخصی است تعلق می گیرد نه بر اموالی که صرفاً در آن حق تصرف دارند. ولیکن در مواردی نظیر آنچه مرقوم داشته بودند زوج و زوجه باید بین خود مشورت نمایند و حدود اموال خویش را معین کنند و معاً یا بالانفراد آنچه را واجب تشخیص دادند تقدیم نمایند.

(نامه مورخ 10 ژانویه ۱۹۸۲ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباً)

[60]

راجع به سؤالی که جناب ... مطرح نموده اند، لطفاً به اطلاع ایشان برسانید که در مکتوبی خطاب به یکی از احباً حضرت ولی محبوب امر الله توضیح فرموده اند که حقوق الله برای یک مایملک بخصوص، چه منقول و چه غیر منقول، فقط یک بار پرداخت می شود، اما اگر این مایملک به نوعی مثلاً از طریق ارث از شخصی به شخص دیگر منتقل شود مجدداً مشمول پرداخت حقوق الله می گردد. عملاً این بدان معنی

است که وارثی که اموالی را به ارث می‌برد، چنانچه سهم دریافتی موجب ازدیاد دارایی او به حدّ نصابی گردد که مشمول ادای این فریضهء مقدّس است، موظّف به پرداخت حقوق الله می‌باشد. (ترجمه)

(نامهٔ مورّخ 1 ژوئن ۱۹80 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی)

[61]

در بارهٔ سؤال مربوط به بیت مسکونی و احکام جزئیّهٔ آن، خاطر آن جناب را مستحضر می‌داریم که تشریح احکام مفصّله در بارهٔ حقوق الله در این ایام مقتضی نیست لهذا یاران را باید آزاد گذاشت که چون راجع به مسئله‌ای نصّی یا دستوری موجود نباشد آنچه را که خود در هر مورد استنباط می‌نمایند مجری دارند و به سائقهٔ وجدان به ادای حقوق الله طبق تشخیص خویش مباشرت فرمایند.

(نامهٔ مورّخ 4 مارس ۱۹84 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[62]

... اگر فردی از یاران مبلغ حقوق الله قابل پرداخت خود را محاسبه نموده و خود را مدیون می‌داند باید پرداخت این مبلغ را به هر نوع تبرّع دیگر مرجّح بداند.

ولیکن امکان دارد که شخص در طیّ سال تبرّعاتی به صندوق‌های مختلف امری اهدا نماید و یا مبالغی در راه امور خیریه پردازد همان گونه که وجوه خود را صرف طیف وسیعی از فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره خود می‌کند. بیان فوق از بیت العدل اعظم اتخاذ یکی از دو طریق ذیل را به قضاوت او محوّل می‌نماید:

- (الف) این قبیل تبرّعات را جزء هزینه زندگی منظور دارد. بدین ترتیب این تبرّعات میزان پس‌انداز وی در آخر سال را که حقوق الله بدان تعلق می‌گیرد کاهش خواهد داد.
- (ب) قرار بگذارد که این قبیل تبرّعات را فقط از پولی پردازد که حقوق الله آن ادا شده است.

این قرار هم‌چنین راه را باز می‌گذارد تا شخص برخی از تبرّعات را به طریق اوّل و برخی دیگر را به طریق دوم منظور دارد. بیت العدل اعظم کلیّه این گونه جزئیّات را به قضاوت و وجدان افراد احبّاء واکذار می‌نمایند. (ترجمه)

(نامه مورّخ ۳ فوریه ۱۹۸۷ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[63]

اگر همان طور که اظهار می‌دارید در موقعیتی نیستید که هرگز بتوانید دارایی قابل ارزیابی معادل ۱۹ مثقال طلا داشته باشید بنا بر این طبق نصوص مبارکه مکلف به پرداخت حقوق الله نیستید. ولی مکلف نبودن بدان معنی نیست که اگر به خاطر حبّ

جمال مبارک و سخاوت طبع خود مایلید مبلغی به صندوق حقوق الله تبرع کنید، مجاز نیستید. (ترجمه)

(نامه مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۸۷ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً)

[64]

1. یک فرد بهائی نمی‌تواند فریضه پرداخت حقوق الله فرد دیگری را ایفا نماید.
 2. فرد بهائی مجاز نیست که مبلغ پرداختی به عنوان حقوق الله را برای هدف مخصوصی مشخص سازد و یا آن را به افتخار فردی دیگر پرداخت نماید. (ترجمه)
- (از یادداشت مورخ ۲۲ مارس ۱۹۸۹ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از دوایر مرکز جهانی بهائی)

[65]

حقوق الله اصولاً باید توسط فرد بهائی در ایام حیات او و زمانی پرداخت گردد که مازاد مایملک‌اش به حد نصاب رسیده است. ولی با ذکر سالیانه بودن مخارجی که باید به منظور محاسبه دین حقوق الله از درآمد کسر شود نوعی آزادی عمل در این حکم ملحوظ گردیده است. مطلوب آنست که بعد از صعود فرد بهائی تنها دین او به حقوق الله که باید در وصیت‌نامه‌اش تمهیداتی برای پرداخت آنها فراهم نموده باشد، بدهی‌هایی باشد که در موقع رسیدگی به امور او در زمان فوتش مشخص گردد.

امید بیت العدل اعظم آنست که احبّاً با آشنا شدن با حکم حقوق الله و با پرداخت آن، نه تنها نحوه محاسبه حقوق الله در ایام حیات را بیاموزند بلکه بدین وسیله درک بهتری از نحوه فراهم نمودن ترتیباتی برای پرداخت باقی‌مانده آن بعد از صعود خود نیز کسب نمایند. (ترجمه)

(نامه مورخ 1 اکتبر ۱۹۸۹ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به هیئتی از امنای حقوق الله)

[66]

بیت العدل اعظم در نظر ندارند روش محاسبه مخصوصی را برای استفاده دوستان تعیین نمایند. احباً باید آزاد باشند تا بر اساس نصوص مبارکه و نمونه‌های موجود، هر یک روش خود را اختیار نمایند. (ترجمه)

(نامه مورخ 1 ژوئیه 1991 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به دفتر امین صندوق یکی از محافل ملیه)

[67]

مکتوب مورخ 28 دسامبر 1991 آن جناب حاوی سؤالی در باره محاسبه اموالی که شما باید حقوق الله آن را پرداخت نمایید، به بیت العدل اعظم واصل گردید. خلاصه اطلاعاتی که ارائه نموده‌اید به شرح زیر است.

شما فقرات متعددی از اشیاء موروثی که بعضی احتمالاً بسیار پرارزش‌اند در تملک خود دارید و شما آنها را "موزه خانوادگی" می‌نامید. از این مجموعه جز در موارد معدودی که آن را برای جمع‌آوری وجوهی جهت امور خیریه به نمایش گذاشته‌اید درآمدی عاید نمی‌شود. مایلید بدانید که آیا شما باید این مجموعه را ارزیابی بنمایید تا بتوانید به منظور محاسبه حقوق الله، آن را جزو مایملک خود محسوب دارید.

بیت العدل اعظم مقرر فرمودند به اطلاع شما برسانیم که ضرورتی ندارد که این چنین مایملکی با فوریت در محاسبات وارد شود. اگر این مجموعه بتمامه یا بخشی از آن به فروش رسد، آنگاه عایدات حاصله مشمول حقوق الله می‌گردد. (ترجمه)

(نامه مورخ 9 فوریه 1992 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباً)

[68]

ادای حقوق الله فریضهء شخصی هر یک از احبای الهی است و بر عهدهء فرد است که بنا به حکم وجدان خویش این وظیفه را ایفا نماید و هیچ یک از مؤسّسات امری حقّ مطالبهء آن را ندارند. بخشی از این فریضه آن است که فرد بهائی در وصیّت‌نامهء خود تعیین کند که در خاتمهء حیات باقی‌ماندهء دین حقوق الله او ادا شود. به همین ترتیب احکام بهائی برای مواردی که شخص بدون وصیّت‌نامه فوت نماید، شامل مقرّراتی است که قبل از تقسیم دارایی بین ورّاث، تتمهء حقوق الله پرداخت شود.

حکم ارث در کتاب مستطاب اقدس برای مواردی که متوفّی وصیّت‌نامه‌ای از خود به جای نگذاشته باشد، به صراحت می‌گوید:

كَلَّ ذَلِكْ بَعْدَ اِدَاءِ حَقِّ اللّٰهِ....

هم‌چنین حضرت بهاء‌الله در خصوص تنظیم وصیّت‌نامه می‌فرمایند:

انسان در مال خود مختار است. اگر بر ادای حقوق الهی موقّف شود و هم‌چنین حقّ النَّاس بر او نباشد آنچه در کتاب وصیّت بنویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست. قد اذن الله له بان يفعل فيما ملكه الله كيف يشاء.

این بیان روشن می‌نماید که مسئولیت موصی برای ادای قرض‌ها و برای پرداخت حقوق الله بر آزادی او در تعیین تکلیف اموال خود به نحو دل‌خواهش اولویت دارد. (ترجمه)

(از یادداشت مورّخ 30 آوریل ۱۹92 بیت العدل اعظم خطاب به یکی از دوایر مرکز جهانی بهائی)

[69]

سؤال اینست که آیا اموالی که شخص ملزم است حقوق الله خود را بر اساس آن محاسبه نماید تمام دارایی او در تاریخی است که حکم حقوق الله شامل حال او می شود یا فقط ثروتی است که بعد از آن تاریخ موفق به کسب آن می گردد؟

نظر نهایی این جمع آن است که اساس محاسبه حقوق الله کلیه دارایی شخص در تاریخی است که حکم حقوق الله شامل حال او می شود. البته این بدان معنا نیست که شخص باید فوراً تمام حقوقی را که مدیون است یک جا پرداخت نماید زیرا چنین عملی ممکن است او را مجبور به فروش ارقام متعددی از مایملک خویش نماید و او را در وضع بسیار مشکلی قرار دهد. اما اصل محاسبه روشن است و دین حقوق الله باید بالمآل پرداخت گردد. (ترجمه)

(از نامه مورخ 4 مه ۱۹92 بیت العدل اعظم خطاب به امین

حقوق الله، ایادی عزیز امر الله جناب علی محمد ورقا)

[70]

شما در مورد شمول حقوق الله بر پولی سؤال کرده اید که فردی از احبّاء برای "سفر به خاطر امر الله و برای داشتن یک زندگی کمی مرفه تر" و امثال آن صرف می کند. برداشت ما از جوابهایی که به سؤالات دیگر داده شده این است که این موضوع به وجدان فرد بستگی دارد. در حقیقت طیف وسیعی از مخارج وجود دارد که شاید بتوان آن را در زمره مخارج عادی سالانه که باید برای محاسبه مبلغ حقوق الله از درآمد کاسته شود محسوب داشت. در مورد خاصّ تبرّعات به صندوقهای مختلف امری، بیت العدل اعظم قبلاً فرموده اند که فرد باید تصمیم بگیرد که یا تبرّعات را قسمتی از مخارج عادی خود منظور دارد یا اینکه آنها را از ذخیره باقی مانده خویش پس از پرداخت حقوق الله تقدیم کند. (ترجمه)

(یادداشت مورخ 14 فوریه 1993 بیت العدل اعظم خطاب به

دفتر حقوق الله در ارض اقدس)

[71]

دفتر حقوق الله در ارض اقدس سؤالات شما مربوط به حقوق الله را که ضمیمهٔ مکتوب 21 آوریل 1993 بود به بیت العدل اعظم الهی تقدیم نمود. مقرّر فرمودند پاسخ‌های زیر ارسال گردد:

1. در رابطه با محاسبه و پرداخت حقوق الله مسلماً تفاوت‌هایی بین بدهی‌های مختلف یک فرد وجود دارد. برای محاسبهٔ حقوق الله، بدهی‌ها طبیعتاً باید از دارایی کاسته شود. در مورد اولویت پرداخت، فرد باید شرایط هر وام را در نظر بگیرد. اگر برای پرداخت بدهی‌ها جدول زمانی تعیین شده، و شخص قادر خواهد بود که آنها را از درآمد پیش‌بینی شده به موقع بپردازد البته فرد باید در این مدت به پرداخت حقوق الله خود نیز اقدام نماید. اما اگر از عهدهٔ پرداخت هر دو برنیاید ادای بدهی اولویت خواهد داشت.
2. اولویت نسبی ادای حقوق الله بر تقدیم تبرّعات به صندوق‌های امری در بخش 105⁵ مجموعهٔ آثار راجع به حقوق الله توضیح داده شده است. بیت‌العدل اعظم مایل نیستند در حال حاضر توضیحاتی بیش از این بیان نمایند.
3. هر زن و شوهر از این آزادی برخوردارند که تصمیم بگیرند آیا مشترکاً یا جداگانه به ایفای فریضهٔ حقوق الله خود اقدام نمایند زیرا بیت‌العدل اعظم مایل نیستند در حق تصمیم‌گیری زن و شوهر در مورد نحوهٔ مدیریت امور مالی‌شان مداخله نمایند. زوجی ممکن است ترجیح دهند مالکیت مشترک داشته باشند و زوج دیگری ممکن است مایل به مالکیت اموال خود به طور مجزاً باشند و یا ممکن است ترکیبات متنوعی از این نوع ترتیبات وجود داشته باشد. (ترجمه)

⁵ در این مجموعه، در بخش‌های 57 و 62 توضیح داده شده است.

نامه مورخ 8 ژوئیه 1993 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به
یکی از احبّاً)

[72]

- دفتر حقوق الله دو مکتوب مورخ 24 و 25 مه 1993 شما و جزوه ارسال را دریافت نمود. دو سؤال که مطرح نموده بودید به ساحت بیت العدل اعظم تقدیم گردید. مقرر فرمودند پاسخ زیر ارسال گردد.
1. وجوهی که به منظور خرید بیت مسکونی پس انداز می شود به خودی خود از پرداخت حقوق الله معاف نیست. مثلاً اگر پیش از خرید بیت مسکونی شخص فوت نماید مبلغ پس انداز شده مشمول محاسبه حقوق خواهد بود. ولی ... فردی که به منظور خرید خانه پس انداز می نماید مختار است که یا حقوق الله وجوهی را که به تدریج پس انداز می کند پردازد و پس از خرید مسکن، مبلغ مشمول معافیت را محاسبه کند، و یا اینکه درج این پس اندازها در محاسبات حقوق الله را تا زمانی که خانه مسکونی خریداری شود به تعویق اندازد که البته در آن زمان قیمت خرید خانه از پرداخت حقوق الله معاف خواهد بود.
 2. ... محاسبه حقوق الله عملاً باید بر مبنای پس اندازی که طی سالها انباشته می شود صورت گیرد نه فقط پس انداز هر سال به طور جداگانه. تنها از این طریق است که شخص می تواند ضرر و زیان یک سال را که سبب کاهش دین حقوق او در سال بعد می شود محاسبه کند یا سود و زیان حاصله از فروش آنچه که به منظور سرمایه گذاری در سال های قبل خریداری شده محاسبه نماید. (ترجمه)
- نامه مورخ 8 اکتبر 1993 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به
یکی از احبّاً)

[73]

سؤال ... شما معطوف به تمهیدات لازم برای حقوق الله در وصیت‌نامه‌های بهائی است. استنباط شما مبني بر اینکه فریضه اداى حقوق الله مربوط به زمان حیات شخص است و به طور معمول باید با پرداخت آن در طول عمر ایفا گردد صحیح است. در عین حال ممکن است در مواردی فردی از احباً بدون تعیین تمهیداتی در وصیت‌نامه‌اش برای تأدیه مبلغی از حقوق الله که احتمالاً پرداخت نشده، فوت نماید. وقوع مرگ فریضه حقوق الله را از فرد مؤمن سلب نمی‌کند. لهنذا هر مبلغی که باید تأدیه شود جزو دین شخص متصاعد و مشمول پرداخت از مایملک او در زمان وفاتش می‌باشد. هزینه کفن و دفن، بدهی‌های متوقفی، و هر مقدار حقوق الله که به وی تعلق می‌گیرد باید با اولویت از دارایی او پرداخت شود قبل از آنکه میزان اموال قابل تقسیم طبق مفاذ احکام ارث تعیین گردد. به این ترتیب، اعم از آنکه شخصی وصیت‌نامه تنظیم کند یا نه، و اگر تنظیم کرده اعم از آنکه پرداخت حقوق الله را در آن تصریح کرده باشد یا خیر، حقوق الله باید مانند سایر دیون، قبل از تقسیم بقیه اموال، تأدیه گردد.

با توجه به نکات فوق، مسلماً شایسته است که هر فرد بهائی قبل از فوت ترتیبات لازم را برای اداى حقوق الله فراهم آورد تا از بروز مشکلات و یا سوء تفاهم‌های احتمالی جلوگیری شود. باید توجه داشت که مسئله استفاده از واژه‌ها قانونی در وصیت‌نامه در مورد پرداخت حقوق الله بعد از فوت فرد بهائی به عوامل متعددی بستگی دارد و مرجح است که با مشورت وکلا صورت گیرد تا عباراتی صحیح و منطبق با قوانین وراثت به کار رود. بدیهی است که اگر فرد مؤمن شرح واضحی از اموال خود و حقوق الله پرداخت شده تا آن زمان را به جای نگذارد، هیچ کس نخواهد توانست مابقی حقوق الله در زمان فوت متوقفی را به طور دقیق محاسبه نماید. اگرچه اجرای اصول مربوط به اداى حقوق الله احتمالاً نیاز به وضع احکام تکمیلی در آینده توسط بیت العدل اعظم خواهد داشت، در حال حاضر بر عهده وصی یا مدیر تصفیة اموال شخص متوقفی است که با در نظر گرفتن اطلاعات موجود، حق‌المقدور این اصول را به بهترین نحوی که صلاح می‌داند به مورد اجرا گذارد. و نکته آخر آنکه اگرچه مسئولیت اداى حقوق الله بر عهده خود شخص است، با این حال می‌توان فرد بهائی را به

نزدیک‌ترین امین حقوق الله معرفی کرد تا در صورت لزوم بتواند با در نظر گرفتن شرایط خاص او را راهنمایی نماید. (ترجمه)
 نامه مورخ 1 ژوئیه 1996 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به
 یکی از احبّاً)

[74]

در احکام بهائی، هر فرد مؤمن اعم از مرد یا زن مسئول تأدیة حقوق الله اموالی است که به او تعلق دارد و یا آن را کسب می‌کند: این حکم بر فرضی حق مالکیت فردی استوار است. اما، در مورد زن و شوهر، بیت العدل اعظم خاطر نشان می‌فرماید که هر زوج در صورت تمایل می‌توانند حقوق الله خود را مشترکاً ادا نمایند و هیچ ممنوعیتی برای مالکیت مشترک چه برای یک زوج و چه برای دو یا چند شریک شغلی وجود ندارد. هر فرد مکلف به تنظیم وصیت‌نامه است. در فقره 78 رساله سؤال و جواب می‌خوانیم که در صورت فقدان وصیت‌نامه، به غیر از البسهء مستعمل آنچه مایملک شوهر است، اعم از جواهرات و غیره، متعلق به شوهر است "مگر آنچه به اثبات معلوم شود به زوجه بخشیده شده". هم‌چنین در مکتوبی که به لسان فارسی از طرف حضرت ولی‌امرالله مرقوم شده این عبارت مشاهده می‌گردد: "ذکر اثاثیه و مایملک را نموده بودید که بعد از انقضای مدت اصطبار حکمش چگونه است ... فرمودند بنویس آنچه متعلق به زوجه است و ملک شخصی اوست احدی حق تصرف در آن ندارد."

لذا، واضح است که دارایی زن و شوهر مجزاً تلقی می‌گردد مگر وقتی که یکی از آنان هدیه‌ای به دیگری اهدا نماید یا هر دو توافق کنند که همه یا قسمتی از دارایی را مشترکاً مالک باشند. به عبارت دیگر، تصمیم در باره نحوه تملک دارایی به عهده آنان است. ارثیه یا هدیه‌ای که همسری دریافت می‌کند متعلق به خود او است مگر اینکه او تصمیم دیگری بگیرد.

همچنین امکان دارد که زن و شوهر در وقت ازدواج و یا بعد از آن، در باره تسهیم و تقسیم اموال شان قراری بگذارند در این صورت مالکیت اموال بر آنچه در صورت طلاق یا فوت یکی از طرفین بر آن وارد می شود اثرگذار است.

اینست توضیحی مختصر از وضع موجود. بدون تردید در سال های آتی از بیت العدل اعظم سؤال خواهد شد تا در مورد جزئیات مسائل خاصی که پیش می آید تصمیماتی اتخاذ نمایند. این نکته را نیز باید به خاطر داشت که در حال حاضر اجرای قوانین بهائی در این قبیل امور منوط به تمهیدات قوانین مدنی ای است که رعایت آنها اولویت دارد. (ترجمه)

نامه مورخ 15 اکتبر 1998 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[75]

در جواب اینکه آیا می توان از بهائیان که از حق رأی خود محروم شده اند حقوق الله دریافت کرد یا خیر، بیت العدل اعظم الهی فرموده اند:

تصمیم این جمع بعد از در نظر گرفتن آنچه حضرت ولیّ محبوب امر الله در گذشته معمول داشته اند آنست که دریافت حقوق الله از این قبیل احبّاء قابل قبول نیست ... به هر یک از احبّاء که از حقوق اداری خود محروم شده و اظهار علاقه به پرداخت حقوق الله می کند باید صرفاً گفته شود که چنین پرداختی قابل قبول نیست. اگر او وجهی پرداخت نماید باید به او باز گردانده شود. (ترجمه)

نامه مورخ 12 سپتامبر 2000 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[76]

بیت العدل اعظم پیام الکترونیکی مورخ 31 ژانویه 2002 شما حاوی این سؤال را دریافت نموده‌اند که آیا شرکتی که فقط به یک بهائی تعلق دارد می‌تواند به صندوق‌های بهائی تبرعاتی تقدیم نماید و حقوق الله بپردازد.

فرضه‌ای ادای حقوق الله بر عهده افراد احبّا است نه شرکت‌ها حتی اگر صاحبان یک شرکت همگی بهائی باشند. از طرف دیگر اگر صاحبان شرکتی که تماماً متعلق به بهائیان است مایل باشند که شرکت‌شان مبلغی را به صندوق حقوق الله تقدیم نماید، قبول چنین تبرعی بلامانع است ولی این تبرع البتّه وظیفه افراد احبّا را نسبت به پرداخت حقوق الله خود کاهش نمی‌دهد.

در خصوص تقدیم تبرعات به صندوق‌های بهائی از طرف شرکتی که منحصرأً به بهائیان تعلق دارد، این امر کاملاً مجاز است. (ترجمه)

(نامه مورخ 12 فوریه 2002 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملیّه)

[77]

یادداشت شما پرسش یکی از احبّا را مطرح می‌نماید مبنی بر اینکه فردی بیت مسکونی‌اش را می‌فروشد تا به خانه سال‌مندان یا آسایش‌گاه مشابهی منتقل شود. سؤال این است که آیا مابه‌التفاوت بهای فروش منزل و مبلغ لازم برای پرداخت مخارج سکونت در خانه سال‌مندان مشمول حکم حقوق الله می‌گردد یا خیر.

تصمیم این جمع آن است که باید به عهده فرد مربوطه واگذار گردد تا با ارزیابی موقعیت و نیات شخصی خویش و با درک خود از نصوص مبارکه، راهی را اتخاذ نماید. (ترجمه)

(یادداشت مورخ 12 ژوئیه 2004 بیت العدل اعظم خطاب به دفتر حقوق الله در ارض اقدس)

[78]

... اگر مایملک شخص علاوه بر پول نقد، شامل ملک و یا سهام نیز باشد، ممکن است با پرداخت نوزده درصد بهای اموال غیر نقدی قبل از نقد کردن آن، شخص دچار ضرر مالی و یا مشکلات دیگر گردد و بنا بر این ترجیح بدهد که حقوق الله خود را بعد از نقد کردن آن بپردازد. در این صورت، قبل از محاسبه مبلغی که حقوق الله به آن تعلق می‌گیرد باید هرگونه مخارجی که برای نقد کردن این اموال صرف شده است از عایدات کسر شود.

هم‌چنین یادآور می‌شود که حقوق الله بر اموالی تعلق می‌گیرد که شخص در هنگام محاسبه مالک آن باشد. این البتّه بدین معنی نیست که حقوق الله باید فوراً پرداخت شود چرا که در این صورت ممکن است شخص مجبور به فروش بسیاری از متملکات خود شده و در نتیجه مشکلاتی برایش بوجود آید. ولیکن مبنای محاسبه حقوق الله روشن است و این دین باید مآلاً پرداخت گردد.

(نامهٔ مورّخ 10 مه 2006 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[79]

اصل اساسی این است که بعد از صعود یکی از احبّاء، در محاسبه مبلغ مابقی حقوق الله که احتمالاً باید پرداخت شود بیت مسکونی او و اقلامی مانند اسباب ضروری بیت و ابزار کسب از محاسبه حقوق الله معاف می‌ماند.

منوط به شرایطی که در وصیّت‌نامه قید شده، ممکن است وارثی بعضی و یا تمامی این اقلام را به ارث برد. تعیین اینکه آیا حقوق الله به اموال موروثی تعلق می‌گیرد یا نه بستگی به آن دارد که به چه منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنانچه به مصارفی برسد که حقوق الله به آن تعلق نمی‌گیرد، مانند بیت مسکونی اصلی و یا وسایل ضروری

بیت و یا ابزار کسب، از پرداخت حقوق معاف است. ولی اگر وارث به منظور دیگری از آنها استفاده کند، مثلاً اموال موروثی را به وجه نقد تبدیل نماید، مشمول معافیت نخواهد بود. (ترجمه)

(نامه مورخ 21 مه 2006 از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[80]

وقتی یک فرد بهائی مبلغی را به نام یکی دیگر از احبّای الهی به صندوق تقدیم می‌کند باید به اهداکننده اطلاع داد که وجه مزبور را نمی‌توان به عنوان پرداخت حقوق الله از جانب بهائی دیگر پذیرفت و در نتیجه اهداکننده اختیار داد که وجه مزبور را یا به عنوان حقوق الله خودش پردازد و یا به صورت تبرّع به صندوق بین‌المللی بهائی به نام فرد دیگر تقدیم کند و یا اینکه وجوه پرداختی به او مسترد گردد. (ترجمه)

(یادداشت مورخ 12 ژوئن 2006 بیت العدل اعظم خطاب به دفتر حقوق الله در ارض اقدس)

3. وظایف امنای حقوق الله و محافل روحانی

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله

[81]

هو الصادق الأمين

یا ابا الحسن⁶ انشاء الله به عنایت مخصوصه⁶ حقّ فائز باشی و به ما ینبغی لأیام الله عامل ... قد جعلناک امیناً من لدی الحقّ و نوصیک بما یرتفع به امر الله ربّ العالمین و اذن دادیم ترا به اخذ حقوق الهی عاشر مع العباد بالروح و الریحان و کن لهم ناصحاً امیناً و صاحباً شفیقاً ثمّ ارض بما قضیناه لک.

[82]

در باره حقوق به هیچ وجه ذکر جایز نه ... این معلق و منوط به اقبال خود نفوسست. امر الله و ما نزل فی الكتاب را اکثری شنیده اند من شاء فلیعمل و من شاء فلیترک انّ ربک هو الغنی الحمید نفس استغنا باب هدایت است از برای عباد. طوبی از برای نفوسی که منقطعین عن العالم بر خدمت قیام نموده اند انهم من اهل البهائ فی هذا المنظر المنیر.

[83]

یا ابا الحسن⁷ علیک بهائی به عزّت امر ناظر باش و به ما تنجذب به الأفئدة و العقول تکلم نما مطالبه حقوق ابداً جایز نبوده و نیست. این حکم در کتاب الهی نازل

⁶ معروف به جناب امین، امین حقوق الله در زمان حضرت بهاء الله

⁷ مأخذ بالا

لأجل بعض امور لازمه که من لدی الحقّ به اسباب مقدر شده اگر نفسی به کمال رضا و خوشوقتی بلکه به اصرار بخواهد به این فیض فائز شود قبول نمایند و آلا فلا.

[84]

ولکن در ذکر حقوق به یک کلمه کفایت نمایند و لوجه الله به آن کمله نطق کنند و بس اصرار لازم نه چه که حقّ دوست نمی دارد بر نفسی که به خدمت قائمند تعبی وارد شود آنّه هو الغفور الرحیم و هو الفضال الکریم.

[85]

هر که اراده نماید حقوق الهی را ادا کند امنا اخذ نمایند و امنا ذکرشان در کتاب الهی بوده و این حکم محض فضل نظر به بعض مصالح از سماء امر جاری و نازل و نفع آن به خود عباد راجع آنّه یقول الحقّ لا اله الا هو القوی القدیر ... آنچه به ایشان برسد می رساند طوبی للفائزین.

[86]

هر نفسی به کمال شوق و اشتیاق اراده کند حقوق الله را ادا نماید باید به امثال آن جناب⁸ و معتمدین بدهد و قبض اخذ نماید تا آنچه واقع می شود به اذن و اجازه حقّ واقع شود آنّه لهو المعلم الحکیم.

[87]

و اینکه نوشته بودید که به آن نفوس ذکر شده بود که حقوق الله را به هر نفسی نمی توان داد این کلمه حقّ بوده باید حقوق الله نزد نفوس امینه جمع شود و بعد به ید امنای الهی به ساحت اقدس ارسال گردد.

⁸ حاجی ابوالحسن اردکانی

[88]

ادای دین لدى الحقّ مقبول است ولكن مطالبه نمودن حقوق از نفسی جایز نه. از حقّ بخواهید احبّاً را مؤید فرماید بر ادای حقّ الله چه که این فقره سبب پاکی مال و حفظ آن و خیرات و برکات بوده و خواهد بود.

[89]

... باید نفسی عباد را لله متذکر نماید که شاید بر ادای حقوق موفق شوند و تحصیل مقام عالی و اجر باقی نمایند نزد امینی جمع شود و اخبار نمایند تا به اراده الله عمل شود.

[90]

یا امین علیک بهائی در جمیع احوال به اعزاز امر ناظر باش ... وصیت منماینم
 ترا که به افق عزت ناظر باشی احبای الهی را باید به کمال روح و ریحان ناظرأً الی الکلمة
 بقوله تعالیٰ 'ذکر فانّ الذکری تنفع المؤمنین'⁹ متذکر نمود. هر نفسی به روح و ریحان
 مؤید بر اعمال شد او از مخلصین در کتاب مبین مرقوم و آلا نباید ابدأً به او تعرض نمود
 امروز حقّ جلّ جلاله به قلوب و لالی مکنونه⁹ در او ناظر است اینست شأن حقّ و اولیای
 او جلّ جلاله باید در باره احبّا و دوستان مسئلت نمایند تا حقّ کل را بر عمل بما فی
 الکتاب مؤید نماید و اوهمات و شئونات دنیا ایشان را منع نماید.

⁹ قرآن مجید، آیه 51:55

قسمتی از آثار حضرت عبدالبهاء

[91]

ثالث فریضه¹⁰ ترویج احکام الهیّه در بین احبّاء از صلاة و صیام و حجّ و حقوق و سایر احکام الهیّه بالتّمام.

قسمتی از توقیعات صادره از طرف حضرت ولیّ امرالله

[92]

پرداخت حقوق الله وظیفه‌ای است روحانی و محافل نباید احبّاء را وادار به پرداخت آن کنند بلکه باید آنان را تشویق نمایند تا این وظیفه روحانی مفروض در کتاب اقدس را ایفا نمایند. (ترجمه)
(12 اکتبر 1946، خطاب به یکی از محافل روحانی ملى)

منتخباتی از دست‌خط‌های صادره توسط و یا از طرف بیت العدل اعظم

[93]

از آنجا که حقوق الله به حکم کتاب یکی از مشروعات امریه و ادایش از فرایض حتمیه اهل بهاء است، مقتضی آنکه آن محفل مقدّس یاران عزیز ایران را به اهمّیت این مشروع عظیم آشنا سازند و به تدریج احکام مربوط به حقوق الله را تمتماً طبق شرع مبین در جامعه ترویج نمایند. البتّه بر وفق نصوص مبارکه مطالبه حقوق الله ممنوع است ولیکن تذکرات عمومیه که احبّاء عزیز را در این وظیفه مهمّه بیش از پیش آشنا

¹⁰ برای اشخاصی که با یکدیگر به مشورت می‌پردازند یعنی اعضای محافل روحانی

نماید از جمله وظایف آن امنای امر الله است که انشاءالله با تذکرات اکیده مکرره آن محفل یاران عزیز ایران بر این عمل مبرور که جالب برکات سماویّه و سبب تطهیر اموال نفوس مؤمنه و مؤید خدمات عمومیّه اهل بهاء است مزیداً لما سبق مفتخر و موقّق گردند.

(نامه مورّخ 27 اکتبر 1963 بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی مآی

ایران)

[94]

البته یاران الهی به انوار خشیه الله منور و به لزوم تطهیر و حفظ اموال به نصّ قاطع ربّ متعال متوجه و ناظرند. در این ایام پرانقلاب ادعیه این مشتاقان به درگاه پروردگار عالمیان متصاعد که آن محفل جلیل را موفق فرماید تا در طوّ ابلاغیه و جزوه و منشور و اعلان در اجتماعات و دروس و انجمن‌های پیروان امر ربّ غیور یاران و ستاینندگان جمال رحمن را به اهمّیت و قاطعیّت این حکم مقدّس الهی مکرراً متذکّر دارند و آنان را تشویق و هدایت به اطاعت کامله حقیقیّه از این فرمان مبارک ربّانی فرمایند تا مؤمنین متقیّن از عواقب تحذیرات مصرّحه محفوظ مانند و به برکات موعوده نائل شوند و به فیوضات محتومه معنویّه فائز گردند.

(نامه مورّخ 12 سپتامبر 1969 بیت العدل اعظم خطاب به محفل

روحانی ملّی ایران)

[95]

مسئولیّت مستمرّ آموزش حکم حقوق الله به احبّای الهی بر عهده کلّیه مؤسّسات امری است. اما معاونین و نمایندگان شما با روابط نزدیکی که با آحاد احبّا دارند، می‌توانند به نحوی مؤثر درک آنان را از جنبه‌های روحانی و عملی این حکم متین افزایش دهند. به عقیده این مشتاقان در حال حاضر نیاز اصلی آن است که ... احبّا تشویق به درک و پذیرش مسئولیتی شوند که هر پیرو مخلص امر الهی در مقابل اجرای اصول این حکم محکم بر حسب جزئیّات شرایط خود بر عهده دارد. اعضای مؤسّسه حقوق الله با اظهارات و توضیحات حکیمانه و مدبرانه خود می‌توانند در این امر به احبّا کمک کنند و در عین حال از اعمال هر گونه فشار و یا اقدامی که اعمال فشار به نظر رسد اکیداً اجتناب نمایند.

وظیفه عمده‌ای که اکنون پیش روی احبّای مخلصی است که به خدمت در

مقام معاونین و نمایندگان شما دعوت شده‌اند، سازمان‌دهی کار خود برای ایجاد

سیستمی قابل اعتماد برای وصول، صدور رسید، حفاظت و ارسال وجوه حقوق الله

است. عشق حضرت بهاء‌الله اول انگیزه‌ء احبّاً در اطاعت از این حکم الهی خواهد بود اما هرچه اعتماد و احترام آنان نسبت به نفوسی که مسئولیت وصول این حقوق الهی از طرف شما به آنها محوّل گردیده بیشتر باشد احبّاً وظیفه‌ء خود را با اطمینان فزون‌تری انجام خواهند داد. (ترجمه)

نامهٔ مورّخ 13 نوامبر 1992 بیت العدل اعظم خطاب به امین
حقوق الله، ایادی عزیز امر الله جناب علی محمد ورفا)

[96]

آنچه شما به انجام آن فرا خوانده شده‌اید از اهمّیتی حیاتی برخوردار است. مسئولیت شما آموزش احبّای عزیز در بارهٔ حکمی است که در کتاب مستطاب اقدس به آنان تفویض شده و بر طبق آن باید بخش معینی از دارایی خود را به ساحت خداوند متعال تقدیم دارند. وظیفه‌ء شما وظیفه‌ای اساساً روحانی است، یعنی معطوف ساختن توجه احبّاً به وظایفشان به عنوان پیروان حضرت بهاء‌الله و به این طریق ایفای نقش مهمی است در تقویت و بسط روابط محبّت و اطاعتی که باید فرد مؤمن را با خالقش پیوند دهد. در دنیایی که اذهان معطوف به لذّت‌طلبی است، از شما دعوت شده است که به احیای مفهوم مقدّس وظیفه و تعهدات و پای‌بندی‌های دینی بپردازید.

کاری که شما به آن اشتغال دارید بی‌نهایت خطیر و ترویج حکمی است که عاملی بنیادین در حیات روحانی فرد می‌باشد و روحیه و طرز فکر فرد در اجرای آن یکی از خصوصیات اساسی رعایت این حکم است. انجام وظیفهٔ شما به طرز شایسته مستلزم رعایت نهایت درجه حساسیت و بصیرت، اجتناب از اعمال هر نوع فشار بر احبّاً برای تمسک به حکمی که مسئله‌ای است وجدانی، و یافتن روش مرادّهٔ صحیحی است برای تذکرات به موقع و در عین حال اجتناب از تکرارهای بی‌حاصل.

عامل اصلی برای موفقیت مجهودات میزان توانایی شما در ایجاد و تحکیم روابط محبّت و اعتماد با احبّایی است که مأمور مساعدت به آنها شده‌اید تا مصاحبت

و تعامل با شما مشوق آنان برای تمسک صمیمانه به حکم حقوق الله و استفاضه از فواید بی‌شمار روحانی آن باشد.

مؤسسه حقوق الله که هنوز مراحل اولیة توسعه جهانی خود را طی می‌کند در قرون آتیه گسترش خواهد یافت و شکوفا خواهد شد و منابع مادی لازم برای ترقی و تقدّم نوع بشر را تأمین خواهد نمود. پس چقدر حائز اهمّیت است که چنین مؤسسه‌ای با صداقت کامل در مدیریت‌اش و امانت آشکار خادمین‌اش ممتاز و متمایز باشد. مساعی شما مطمئناً به نحوی ادامه خواهد یافت که حُسن شهرتی را که مؤسسه حقوق الله در انظار احبّاء احراز نموده تقویت و افزایش بخشد. (ترجمه)

(نامه مورّخ 14 فوریه 1997 بیت العدل اعظم خطاب به وکلا و نمایندگان مؤسسه حقوق الله)

[97]

مساعدت به آموزش احبّاء در باره حکم حقوق الله و اهمّیت آن یکی از وظایف نمایندگان است. این فرایند آموزش طبیعتاً نمی‌تواند منحصر به افرادی باشد که میزان دارایی‌شان آنان را مشمول این حکم می‌نماید زیرا اغلب فقط خود فرد مربوطه از این واقعیت مطلع است. اطفال نیز باید حکم حقوق الله را به عنوان قسمتی از تعلیم و تربیت بهائی خود بیاموزند. احبّاء گاهی اوقات چنان از مفهوم این حکم به شوق و شور در می‌آیند که حتّی اگر مشمول آن هم نباشند آرزوی خود را برای تقدیم تبرّع به صندوق حقوق الله ابراز می‌دارند. بیت العدل اعظم بیان فرموده‌اند که نمایندگان مجازند این گونه تبرّعات را بپذیرند.

به عبارت دیگر اگر نفسی به خاطر حجتی که به امر مبارک دارد مبلغی به حقوق الله پردازد، وظیفه نماینده امین حقوق الله نیست که پیرسد آیا نفس مزبور مکلف به رعایت این حکم هست یا خیر بلکه باید در کمال لطف و محبت آن را بپذیرد.

این مسئله، همان طور که مستحضرید، با تشویق احبّا به ادای حقوق الله به میزانی بیش از آنچه حکم الهی معین نموده کاملاً متفاوت است و چنین تشویقی انحراف از روح حکم منزله حضرت بهاء الله خواهد بود. (ترجمه)

(نامه مورخ 13 سپتامبر 1998 از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

[98]

به وضوح، طی ده سال گذشته تعداد فزاینده‌ای از احبّا از اهمّیت حکم حقوق الله آگاه شده‌اند و مفاد آن را رعایت می‌کنند. بجاست که با رضایت به نتایج زحمات خود بیاندیشید و نقشه‌های خود را جهت اتّسع نفوذ این حکم محکم الهی به کلیّه قسمت‌های جامعه جهانی بهائی تدوین نمایید. صداقت شما، مراقبت دقیق و کاملی که در اداره و جویی که به شما سپرده شده به کار برده‌اید، و کارایی شما در صدور رسید و حفظ دقیق سوابق، همگی به جلب اعتماد احبّا نسبت به این مؤسسه و به اعتبار و حُسن شهرتی که در جامعه بهائی از آن برخوردار است کمک کرده است.

شما با اجرای وظایف خود، به پیشبرد فرایندی کمک می‌کنید که در قرون آینده سبب چنان تحوّل در اجتماع خواهد شد که درک آن امروز به مراتب فوق توانایی بهائیان عالم است. (ترجمه)

(نامه مورخ 12 ژانویه 2003 بیت العدل اعظم خطاب به وکلا و نمایندگان مؤسسه حقوق الله)

[99]

به علاوه، مجهودات در جهت توسعه دواير مرکز جهانی و به طور اخصّ برای تکامل مستمرّ مؤسسه حقوق الله تحت رهبری ممتاز ایادی عزیز امر الله جناب دکتر علی محمد ورقا مشهود بود. جناب دکتر ورقا با ابتکارات خردمندانه و مساعی مداوم خود الهام‌بخش احبّای عزیز عالم در آموختن حکم محکم حقوق الله بوده‌اند. در طی ده

سالی که از تنفیذ جهانی حکم حقوق الله می‌گذرد، شبکه‌ای از هیئت‌های ملی و منطقه‌ای امنای حقوق الله به وجود آمده است که به هماهنگ ساختن و هدایت خدمات تعداد فزاینده‌ای از معاونین و نمایندگان حقوق الله مشغول است. آگاهی نسبت به این حکم عظیم گسترشی وسیع یافته و یاران در جمیع قازات با روح اخلاص آن را اجابت نموده‌اند و امین محترم حقوق الله امیدوارند که چنین روحیه‌ای در نفوسی که هنوز از برکات موعوده منبعت از تمسک به این حکم بهره‌مند نشده‌اند نیز مؤثر گردد. (ترجمه)

(پیام رضوان 2003 بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم)

[100]

با نزدیک شدن گردهمایی‌ای ... که جلسه افتتاحیه شما در مقام امنای هیئت بین‌المللی حقوق الله خواهد بود، تصمیم این جمع بر آن شد که حال وقت مقتضی فرا رسیده است تا هدایاتی چند در مورد وظیفه شما و توسعه امر حقوق الله در سال‌های آینده را در اختیار شما بگذاریم.

همان طور که در مکتوب ... مبنی بر انتصاب شما ذکر شد، وظایف شما همانا مراقبت از حقوق الله و تأسی به امین حقوق الله، ایادی امر الله جناب علی محمد و رقا می‌باشد.

قسمت عمده‌ای از وظایف معاونین و نمایندگان در سراسر جهان ادامه آموزش احبّا در حکم حقوق الله خواهد بود. تعلیم لازم باید با رعایت اعتدال و شکیبایی انجام شود تا قلوب احبّا به اطاعت از مقررات حکم حقوق الله به عنوان جزئی از اشتیاق‌شان برای طی مسیر ترقیات روحانی‌ای که حضرت بهاء الله مقرر فرموده‌اند منجذب گردد. مهم‌ترین خصوصیات این حکم باید حتی المقدور به ساده‌ترین نحو بیان گردد تا یاران عزیز مکلف به ادای حقوق، به خاطر ترس بیجا از پیچیدگی نحوه اجرای آن از این فیض روحانی محروم نشوند.

شأن و منزلت امر الله تحت هر شرایطی باید مورد توجه خاص قرار گیرد....

از شما تقاضا می‌کنیم ... که جزئیات شبکه‌ای از هیئت‌های ملی یا منطقه‌ای را که شامل تمامی جامعه جهانی می‌شود پیشنهاد کنید و افرادی را برای عضویت این هیئت‌ها توصیه نمایید. در کشورهایی که تعداد معتنابهی از احبّا مکلف به ادای حقوق الله هستند وجود یک هیئت ملی مناسب خواهد بود. برای پوشش گروهی از سایر کشورها باید هیئت‌های منطقه‌ای تشکیل شود به این امید که با رشد جامعه بهائی در آینده، چند هیئت ملی جایگزین هریک از هیئت‌های منطقه‌ای خواهد شد.

اعضای این هیئت‌ها برای یک دوره سه‌ساله منصوب خواهند شد و امکان انتصاب مجدد آنها نیز وجود دارد. تاریخ مشخصی برای این انتصاب تعیین نشده است تا هر زمان که معاونی قادر به ایفای وظایف خود نباشد بتوان جای‌گزینی برای او برگزید. تصمیم این جمع بر آنست که حضرات مشاورین نباید برای عضویت در این هیئت‌ها در نظر گرفته شوند.

هیئت‌های منطقه‌ای و ملی وظیفه انتصاب نمایندگان را برای یک دوره سه‌ساله به عهده خواهند داشت و مانند معاونین، وقتی نماینده‌ای برای جای‌گزینی عضوی که قادر به انجام وظایف نیست، منصوب می‌گردد، فرد جدید الانتصاب به مدت سه سال کامل خدمت خواهد نمود.

حتی‌المقدور نمایندگان ملزم به وصول و ایصال وجوه و صدور رسید نخواهند بود ... این تعدیل در وظایف نمایندگان به این معنی است که کار آنان جنبه آموزشی خواهد داشت. (ترجمه)

(نامه مورخ 25 ژانویه 2005 بیت العدل اعظم خطاب به اعضای هیئت بین‌المللی امنای حقوق الله)

در مرکز جهانی نیز تغییر و تحولات جدیدی به وقوع پیوسته است. تصمیم این جمع آن است که وقت تأسیس هیئت بین‌المللی امنای حقوق الله برای سرپرستی هیئت‌های ملی و ناحیه‌ای امنای حقوق الله در سراسر عالم فرا رسیده است. این هیئت در انجام وظایف خویش با امین برگزیده حقوق الله، ایادی عزیز امر الله جناب دکتر علی‌محمد ورقا، هم‌کاری نزدیک خواهد داشت و از دانش و بینش ایشان بهره‌مند خواهد گردید. سه نفر دوستانی که هم‌اکنون به عضویت هیئت بین‌المللی امنای حقوق الله منصوب شده‌اند عبارتند از خانم سلی فو (Sally Foo) و آقایان رامین خادم و گرانت کوال‌هایم (Grant Kvalheim). دوره خدمت اعضای این هیئت بعداً معین خواهد شد. اعضای این هیئت ساکن ارض اقدس نخواهند بود ولی برای انجام وظایف محوله از تسهیلات موجود در دفتر حقوق الله در مرکز جهانی استفاده خواهند نمود.

(ترجمه)

(پیام رضوان 2005 بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم)

[102]

نامهٔ مورخ 4 دسامبر 2005 شما در خصوص مجاز بودن پرداخت حقوق الله از طریق محافل روحانی ملی به بیت العدل اعظم واصل و برای پاسخ به این دایره ارجاع گردید.

... دوستان الهی ممکن است ترجیح دهند که پرداخت‌های حقوق الله خود را از طریق امنای صندوق محافل ملی خود انجام دهند و بیت العدل اعظم این حق را برای احباً محفوظ داشته‌اند که چنانچه مایل باشند حقوق الله را از این طریق پرداخت نمایند. (ترجمه)

(نامهٔ مورخ 19 ژانویه 2006 از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملیّه)

[103]

مؤسسه حقوق الله، تحت سرپرستی ایادی عزیز امر الله دکتر علی محمد ورقا که پنجاه سال پیش از طرف حضرت شوق افندی به مقام امین حقوق الله منصوب شدند، بی وقفه در حال پیشرفت بوده و با تشکیل هیئتی بین المللی، در سال ۲۰۰۵، جهت ترویج و استمرار این حکم عظیم که منبعی از برکات لانهای الهیه برای جامعه انسانی است، به مرحله مهتی از پیشرفت خود رسیده است.

(پیام رضوان 2006 بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم)

4. مصارف حقوق الله

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله

[104]

حکم محکم اینکه در هر بلد آنچه از حقوق الله موجود است و یا بشود باید در ساحت اقدس عرض شود آنچه حکم صادر معمول گردد تا هر امری منظم باشد.

[105]

و اینکه در باره فقرا نوشته بودید که می شود حقوق الهی را به آنها داد یا نه این فقره منوط به اذن است در هر محل که حقوق الهی جمع شد باید تفصیل آن و تفصیل فقرا عرض شود آنه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید چه اگر عموماً اذن داده شود خالی از اختلاف نخواهد بود و سبب زحمت خواهد شد.

قسمتی از آثار حضرت عبدالبهاء

[106]

و حقوق را به موجب نصوص کتاب اقدس جمع نمایید در محلی و صرف مواقع لازمه نمایید ولی به کسی در آنجا تکلیف دادن حقوق ننمایید مگر آنکه خود به صرافت طبع و طیب خاطر دهند.

قسمتی از دست خط‌های حضرت ولی‌ام‌الله

[107]

به نصّ وصایا حقوق الله باید صرف امر تبلیغ در ممالک شرقیه و غربیه و تأسیس معاهد و معابد امریه و ترویج اعمال خیریه و منافع عمومیّه گردد.
(نامه مورّخ 15 ژانویه 1933 از جانب حضرت ولی‌ام‌الله خطاب به یکی از احبّاً)

منتخباتی از دست خط‌های صادرة توسط ویا از طرف بیت العدل اعظم

[108]

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه می‌فرمایند، "تصرف در حقوق جزئی و کلیّی جازز ولی به اذن و اجازه مرجع امر." تمهیدات مقررّه در الواح مبارکه و وصایا مبنی بر اینکه حقوق الله "راجع به ولیّ امر الله است" به وضوح منطبق با این اصل است.
حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک دیگری بیت العدل اعظم را "مرجع کلّ امور" ذکر فرموده‌اند و در غیاب ولیّ امر الله بدیهی است که بیت العدل اعظم معهد اعلی و مؤسسه مرکزی امر مبارک می‌باشد. به علاوه، قبل از دوران حضرت عبدالبهاء، حضرت بهاء‌الله بیان زیر را نازل فرموده بودند: "از برای حقوق الهی قراربست معین بعد از تحقّق بیت العدل علی ما اراده الله حکم آن ظاهر می‌شود." طبق این نصوص صریحه

بدیهی است که اتخاذ تصمیم برای وصول و صرف حقوق الله در حال حاضر در حیطهء اختیارات بیت العدل اعظم است. (ترجمه)
(نامهٔ مورخ 2 مارس 1972 بیت العدل اعظم خطاب به حضرات
ایادی امر الله مقیم ارض اقدس)

[109]

و اما در مورد حقوق الله، ... حق نظارت بر ادارهٔ حقوق الله منحصرأ به مرکز امر الله اختصاص دارد. برخی "اختیارات و وظایف" به بیت العدل اعظم اختصاص یافته که در قانون اساسی بیت العدل اعظم برشمرده شده است از قبیل "حفاظت نصوص مقدسه"، "ترویج مصالح امر الله"، "اعلان و انتشار و تبلیغ دین الله" و غیره. وجوه عایدۀ از ادای حقوق الله به صلاح دید بیت العدل اعظم در جهت حصول این اهداف صرف می شود. (ترجمه)
(نامهٔ مورخ 18 ژوئیه 1994 از طرف بیت العدل اعظم خطاب به
یکی از احبّاء)

[110]

سؤال نموده‌اید که بیت العدل اعظم در کجا و به چه ترتیب استفاده از وجوه واصله از پرداخت حقوق الله را گزارش می‌دهند. بیت العدل اعظم گزارشی از مخارج جاری این وجوه صادر نمی‌کنند. اما استفاده از این وجوه جنبه سری و مخفیانه ندارد. در نصوص مبارکه به صراحت آمده است که حقوق الله باید به مرجع امر که همه باید به آن توجه نمایند پرداخت شود و ذکر شده است که وجوه مزبور "لأجل الصّرف علی الفقراء و الضّعفاء و المساکین و الایتام و سائر المصارفات اللّازمة فی امر الله" است. تصمیمات مربوط به مسائل نظیر وقت و راه‌های صرف وجوه و مبلغ آن به عهده بیت العدل اعظم است.

حال، مانند دوران قیادت حضرت شوقی افندی، کلیه وجوه دریافتی توسط مرجع امر الله برای ترویج مصالح امر مبارک در مرکز جهانی و در سراسر عالم استفاده می‌شود. در نشریه مؤسسه حقوق الله، شماره 6 ذکر شده است که وجوه برای اهدافی چون "ترویج امر تبلیغ و نشر نفعات الله در سراسر جهان، مراقبت و حفظ و نگهداری و بازسازی اماکن مقدسه امری، بنای مرکز اداری جهانی بهائی، حمایت از فعالیت بسیاری از مؤسسات و نهادهای امری، ساخت و بازسازی مشارق اذکار، تأسیس و حمایت مؤسسات جدید، امور خیریه و عام المنفعه، و حمایت از مصالح متعدد جهانی امر مبارک" (ترجمه) مصرف می‌گردد.

استفاده مؤثر از حقوق الله و سایر وجوه موجودی که تحت اختیار بیت العدل اعظم است را می‌توان در تحولات عظیمی که در مرکز جهانی بهائی و در سراسر جامعه جهانی بهائی حاصل شده مشاهده نمود، جامعه‌ای که بسیاری از بودجه‌های ملی آن به علت فقر اکثریت عظیمی از احبای جهان و عدم استطاعت آنها به حمایت از صندوق‌های ملی خود، باید از طریق مساعدت‌های بیت العدل اعظم تأمین گردد....

حقوق الله، همان طور که از نامش مستفاد می‌شود، از خصیصه خاصی برخوردار است که آن را از کلیه صندوق‌های دیگر امری متمایز می‌سازد. ماهیت و هدف آن و برکات حاصله از پرداخت آن را می‌توان در مجموعه‌ای که تحت این عنوان انتشار یافته مطالعه نمود....

تبرع به صندوق‌های امری و همچنین پرداخت حقوق الله، طبق اصول بهائی به طور محرمانه صورت می‌گیرد و برای آنها رسید صادر می‌شود... اطمینان داشته باشید که در مرکز جهانی بهائی روشی برای مدیریت مالی اتخاذ شده تا حساب‌ها به طور دقیق نگه‌داری شود و از هر گونه حادثهٔ مُسرفانه و یا خدای نکرده سوء استفادهٔ احتمالی نیز جلوگیری به عمل آید، روشی که هم محرمانه بودن هر تبرع را حفظ می‌کند و هم پایداری و صداقت استفاده از کلیهٔ وجوه و اگذار شده به بیت العدل اعظم را تضمین می‌نماید.

(ترجمه)

(نامهٔ مورخ 16 فوریه 1998 از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[111]

و اما در پاسخ به نگرانی خاصّ شما که موجب مطرح کردن این سؤال گردیده خاطر نشان می‌سازد که استفاده از وجوه عایده از حقوق الله که منحصرأ به اختیار و نظر مرجع امر الله انجام می‌شود، طیف وسیعی از مصارف مختلف و بالمآل نیازهای متنوع جامعه را به طرقی در بر خواهد گرفت که به حلّ مشکلات اقتصادی نیز کمک خواهد کرد. اما این ایام هنوز بدایت اجرای این حکم در سراسر جهان است و برای بیت العدل اعظم در وضع فعلی جامعه بهائی و یا در اوضاع کنونی اجتماع، امکان‌پذیر نیست که به شرح و بسط این جزئیات پردازند. حقوق الله در حال حاضر عمدتاً برای امور جامعه بهائی مصرف می‌شود که البته شامل مجهودات اولیهٔ اش در راه توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی نیز می‌گردد. (ترجمه)

نامهٔ مورخ 8 سپتامبر 1999 از طرف بیت العدل اعظم خطاب به
یکی از احبّاً)

[112]

همان طور که واقفید، وظیفهء احبّاً در مورد ادای حقوق الله در کتاب
مستطاب اقدس مقرر شده و این پرداختها به مرجع امر الله که اکنون بیت العدل
اعظم است تقدیم می‌شود. اتخاذ تصمیم در مورد مصرف آن به عهدهء بیت العدل
اعظم است و در حال حاضر وقف وظیفهء خطیر استقرار نظم جهانی حضرت بهاءالله
می‌گردد که لازمهٔ اصلی حلّ پایدار ابتلائی است که عالم انسانی اکنون دچار آن است.

بیت العدل اعظم ترتیباتی فراهم نموده‌اند تا حساب دقیق و تفصیلی عایدات و
مخارج صندوق حقوق الله توسط هیئت بین‌المللی امنای حقوق الله و دفتر حقوق الله در
ارض اقدس نگه‌داری شود. بیت العدل اعظم بر فعالیت مؤسسهء حقوق الله نظارت
دارند و کاملاً راضی و مطمئن هستند که امور در کمال صحّت و امانت اجرا می‌شود.

چنین اظهار اطمینانی از طرف بیت العدل اعظم البته برای اعضای جامعهء
بهائی کافی است. بیت العدل اعظم در حال حاضر لزومی نمی‌بینند که اطلاعات مربوط
به حساب‌های حقوق الله به ناظران خارج از جامعه ارائه داده شود؛ چنانچه در آینده
وضعی پیش بیاید که مناقشه‌ای عمومی راجع به این موضوع به میان آید، بیت العدل
اعظم هر اقدامی را که در آن زمان مصلحت بدانند به عمل خواهند آورد. (ترجمه)
نامهٔ مورخ 25 ژوئیه 2006 از طرف بیت العدل اعظم خطاب به
یکی از احبّاً)